

مقصد جهان و وقایع آخر زمان

قسمت اول: مقدمه

در قصه ای عامیانه آمده است که بعد از اخراج آدم و حوا از باغ عدن و گذشت سالهای بسیار آدم به زنش میگوید «ای کاش میتونستم حتی برای لحظاتی کوتاه هم که شده به باغ زیبا و رویایی عدن برم و چرخی تو باغ بزنم» حوا به شوهرش جواب می دهد «چطوره که از روی دیوار پشتی باغ عصاتو به داخل پرت کنی و بعد به بهانه این که دنبال عصایت می گردی از دیوار بالا بری و داخل باغ رو تماشا کنی». آدم موافقت می کند و عصایش را از روی دیوار پشتی به داخل باغ پرت می کند. سپس به کمک زنش در حالی که به سختی خود را از روی دیوار بالا می کشید نفس زنان و هیجان زده به داخل نگاهی می اندازد و با منظره ای بسیار عجیب روبرو می شود؛ میلیون ها عصا در آن کنج باغ روی هم تلنبار شده بودند!

ضرب المثل «تا بوده چنین بوده» در ذهن تداعی می شود.

هر چند ظاهراً تاریخ جهان و خصوصاً تاریخ انسان بر روی کره خاکی، چرخه ای تکراری و خسته کننده از رویدادهای بی شمار به نظر می آید ولی در واقع زمان بی امان به سمت مقصدی معین که خدای قادر مطلق پیش از بنیاد عالم آن را مقرر کرده است به پیش می تازد. خوشبختانه خدا در مکاشفه خاص خود در کتاب مقدس نه تنها چگونگی آغاز جهان هستی بلکه مقصد و سرانجام آن را نیز آشکار کرده است. در واقع برای اینکه مطمئن شویم که تا بوده چنین نبوده است! کافی است که به تاریخ انسان در کتاب مقدس برگردیم و برخی وقایع را به دقت بررسی کنیم.

در بحث های گذشته وقایع مربوط به آفرینش، سقوط و نجات انسان را از باغ عدن و انسان اول (آدم و حوا) شروع کردیم اینک برای تشریح نقطه اوج و سرانجام جهان هستی نیز مجدداً به مبدا بر می گردیم و در سفری هیجان انگیز از مبدا تا مقصد جهان هستی و تاریخ بشری را همچون چشم انداز پانوراما به تصویر می کشیم.

بسیاری در این دنیا به دنبال دانستن وقایعی هستند که در زندگی خود یا عزیزانشان ممکن است در آینده اتفاق بیفتد. حتی حاضرند مبالغه گزاف برای آن بپردازند. اراده خدا برای ایمانداران واقعی این است که آینده خود را با کمال

اطمینان به او بسپارند و لحظه ای نگران آن نباشند. زندگی ایمانداران به مسیح و آینده شان در دستهای خدای قادر مطلق است که همه چیز، از مسیر و سرعت یک الکترون گرفته تا حرکت کهکشانهای عظیم تحت حاکمیت اوست.

« ۴ همیشه در خداوند شاد باشید؛ باز هم می‌گوییم: شاد باشید. ۵ بگذارید ملایمت شما بر همگان آشکار باشد. خداوند نزدیک است. ۶ برای هیچ چیز نگران نباشید، بلکه در هر چیز با دعا و استغاثه، همراه با شکرگزاری، درخواستهای خود را به خدا ابراز کنید. ۷ بدین‌گونه، آرامش خدا که فراتر از تمامی عقل است، دلها و ذهن هایتان را در مسیح عیسی محفوظ نگاه خواهد داشت.» فیلیپیان ۴: ۴-۷

اما خداوند حقایق مربوط به سرانجام و مقصد این جهان را برای فرزنداناش در پیشگویی های کتاب مقدس آشکار کرده است. قبلا به برخی از پیشگویی های عجیب عهد عتیق اشاره کردیم و تحقق آنها را در تاریخ با ارائه شواهد و مدارک نشان دادیم. همانطور که آن پیشگویی ها مو به مو تحقق پیدا کرده اند؛ پیشگویی های مربوط به زمان های آخر نیز مطابق برنامه زمانی خدا تحقق خواهند یافت. هر

چند این مبحث بسیار وسیع و پیچیده است ولی مانند مباحث قبلی سعی خواهیم کرد که به صورت فشرده ولی دقیق آن را ارائه دهیم.

پس مجدداً به روایت تاریخی کتاب مقدس از خلقت یعنی به کتاب پیدایش (عهد عتیق) فصل اول برمی گردیم:

« ۱ در آغاز، خدا آسمانها و زمین را آفرید. » پیدایش ۱ : ۱

« ۳۱ و خدا هر آنچه را که ساخته بود دید، و اینک بسیار نیکو بود. شامگاه شد و بامداد آمد، روز ششم. »
پیدایش ۱ : ۳۱

آیه اول مبدا جهان هستی را رقم می زند. توجه کنید که کلمه «آسمان ها» جمع است که احتمالاً جهان غیر مادی (فرشتگان و ...) را نیز شامل می شود. (یهودیان، زمین و منظومه شمسی را آسمان اول، کل ستارگان و کهکشان ها را آسمان دوم و بهشت را آسمان سوم می نامیدند.)
آیه ۳۱ تاکید می کند که آفرینش خدا بسیار نیکو بود! توجه کنید که خدا نیکویی مطلق و بی نهایت است و اگر مطابق معیار و سنجش خدا جهان هستی در بدو پیدایش «بسیار

نیکو» بود این بدین معنی است که آفرینش خدا از هر جهت بی عیب و نقص و در توازن و سازگاری و زیبایی محض بود!

اما دیری نپایید که ابتدا در جهان غیر مادی و سپس در جهان مادی وقایعی رخ داد که توازن آفرینش خدا را بر هم زد و «گناه» وارد صحنه جهان هستی شد. در ابتدا رویدادی عجیب در آسمان سوم رخ می دهد. فرشته ای به نام «ستاره صبح یا لوسیفر» (فرشته ای بسیار زیبا، قدرتمند و والا مقام) دلش مغرور می شود و می خواهد شبیه خدا گردد! در این طغیان، لوسیفر یک سوم فرشتگان آسمان را نیز با خود متحد می سازد و خدا لوسیفر و فرشتگان شورشی را از آسمان سوم (بهشت) اخراج می کند. این فرشته همان «شیطان» است که در قالب ماری سر و کله اش در باغ عدن پیدا می شود و حوا را فریب می دهد تا بر خلاف دستور خدا از میوه درخت شناخت نیک و بد بخورد. با نافرمانی آدم و حوا از دستور خدا گناه وارد جهان مادی نیز می شود. (برای توضیحات بیشتر یک به مبحث انسان)

بدین ترتیب خلقت بسیار نیکو و با شکوه خدا در چنگال مرگ و نابودی اسیر شد؛ زیرا گناه به گسستگی رابطه با خدای قدوس که سرچشمه حیات ابدی است منجر میشود. با افزایش جمعیت کره زمین، شرارت ساکنانش نیز با سرعت تصاعدی گسترش یافت تا اینکه حدود ۱۷۰۰ سال بعد از خلقت آدم و حوا، شرارت انسان ها به حدی رسید که خدا در زمان نوح با توفان عظیمی ساکنان زمین را به غیر از هشت نفر (نوح و سه پسرش سام، حام و یافث به همراه زنانشان) و جفتی از حیوانات خشکی و پرندگان نابود ساخت.

جالب است بدانید که کلام خدا، نوح را واعظ عدالت می خواند (دوم پطرس ۲: ۵) و با توجه به برخی آیات دیگر این احتمال وجود دارد که نوح به مدت ۱۲۰ سال تا قبل از آمدن توفان به مردم هشدار می داد. کشتی بزرگ نوح نیز نمونه ای از نجات و فیض عظیم خدا برای مسافران کشتی بود! سپس توفان هولناک که به مدت چهل روز و چهل شب تداوم یافت سطح زمین را فرا گرفت و همه ساکنان زمین را بجز نوح و خانواده اش و حیوانات داخل کشتی غرق کرد. این توفان باعث تغییراتی چشمگیر در سطح کره زمین از نظر زمین شناسی نیز شده است. تغییراتی که در شرایط

عادی در طول میلیون ها سال ایجاد می شوند به دلیل توفان نوح که همچون یک سونامی وحشتناک جهانی بود در عرض چند روز بوجود آمدند (لایه های رسوبی عظیم، دره های بسیار عمیق، فسیل های بیشماری که حتی بر فراز ارتفاعات نیز یافت می شوند و ...). اما غرض از یادآوری این حادثه این است که تاریخ دنیا از ابتدای آفرینش تا الان به همین منوال کنونی نبوده است! پیشگویی های کتاب مقدس بارها هشدار میدهند که در آینده وقایع هولناکی مانند توفان نوح در انتظار این کره خاکی و ساکنانش است. اما در نهایت خدا وعده داده است که خلقتی جدید با جلال و شکوهی بی نظیر جای خلقت نخستین را بگیرد. در این خلقت جدید شرارت و مرگ دیگر جایی نخواهند داشت. اما سوال مهم این است که آیا ما جز مسافران کشتی نوح هستیم؟

قسمت دوم: فروپاشی اخلاقی

یکی از ویژگی‌های بارزی که نشان می‌دهد قطار تاریخ بشری به مقصد نزدیکتر شده است انحطاط و فروپاشی اخلاقی فراگیر است.

قبل از وقوع طوفان نوح و نابودی کل تمدن بشری؛ این آیه در کتاب پیدایش ۶: ۵ بسیار جلب توجه می‌کند:

« ۵ و خداوند دید که شرارت انسان بر زمین بسیار است، و هر نیت اندیشه‌های دل او پیوسته برای بدی است و بس؛»

پیدایش ۶: ۵

اصولا چهار مانع اساسی در دنیا بر سر راه انحطاط و فروپاشی اخلاقی انسان‌ها وجود دارد. اولین و مهمترین مانع در مقابل فروپاشی اخلاقی «وجدان» است. وجدان مکانیسمی است که خدا در وجود تمام انسانها قرار داده است تا عاملی بازدارنده در برابر عبور از خط قرمزهای اخلاقی و نیکویی خداوند باشد. شریعت خدا در عمق وجود

انسان ها حک شده است. بنابراین حتی افرادی که در جنگل های آمازون به دور از تمدن زندگی می کنند نیز در عمق وجودشان خوبی را از بدی می توانند تشخیص دهند.

مکانیسم وجدان در ذهن و ضمیر انسان همچون «درد» در جسم فیزیکی انسان عمل می کند. همانطور که درد فیزیکی به ما هشدار می دهد اختلالی در عملکرد بدنمان وجود دارد ؛ عذاب وجدان نیز از تخطی از ارزشهای اخلاقی و نیکویی خدا در زندگیمان خبر می دهد. ولی همانطور که قبلا اشاره کردیم با سقوط انسان مکانیسم «وجدان» آسیب دیده است و داده های غلط که ریشه در عقاید و باورها انسانی دارد جای خود را به ارزشهای اخلاقی خدا داده است. نتیجه اختلال در مکانیسم «وجدان» این است که به تدریج تلخی به مذاق انسان ها شیرین می آید و نیکویی جای خود را به بدی می دهد. به قول شاعر: آن دروغ وی پسندیده تر آمد
مرا زین راست که تو گفتی!

دومین مانع «خانواده» است. خانواده که با ازدواج دائم «یک مرد» با «یک زن» تشکیل می شود هسته اجتماع را تشکیل می دهد و توسط خدا تاسیس شده است. در کانون محبت آمیز خانواده است که فرزندان دوست داشتن، احترام

ورزیدن، اطاعت، از خود گذشتگی و نیکویی را می آموزند. ولی همانطور که بارها اشاره کرده ایم با گسستگی رابطه انسان با خدا بنیاد و ستونهای خانواده نیز به شدت ترک خوردند. خانه ها بجای اینکه مامن کودکان باشند گاهی بیشتر شبیه میدان جنگ شده اند. نتیجه فروپاشی خانواده ظهور نسل جوان ناراضی، خشمگین، نامطیع و گستاخ، طلبکار و خود پرست است که درکی از محبت و از خودگذشتگی ندارند. با محور «محبت» که افضل ارزش های اخلاقی است؛ ارزش های دیگر نیز فرصت رشد و شکوفایی نمی یابند و مانند میوه نارس سرما زده از درخت فرو می ریزند.

سومین عامل بازدارنده، حکومت مدنی و سیستم قضایی کشورها است. اکثر قوانین کیفری کشورها در طول تاریخ کم و بیش مطابق ده فرمان خدا در تورات تنظیم و نوشته شده اند. با گذشت زمان شاهد فروپاشی سیستم های سیاسی کشورها و عدم اعتماد فزاینده مردم از حکومت ها در چهار گوشه جهان هستیم. حتی حکومت های دموکراتیک غربی که روزگاری الگویی در خور توجه از حکومت های نسبتا مردمی و کارآمد بودند در سال های اخیر تبدیل به عرصه جنگ سیاسی تمام عیار میان رهبران برای کسب منافع

حزبی و قدرت شده اند. از سویی دیگر متأسفانه سیستم های قضایی کشورها نیز بجای برقراری عدالت و قانون در جامعه و ارائه عملکردی مستقل برای حفاظت از جان و مال مردم، وارد بازی های سیاسی شده اند. قضات به مترسک های سیاستمداران تبدیل گشته اند که خود این امر دیر یا زود به فروپاشی اخلاقی جوامع خواهد انجامید. حتی رسانه ها و روزنامه های معروف جهانی که روزگاری راستگویی، دقت در گزارش وقایع و تفسیر بی غرضانه سیاسی، استاندارد طلایی آنان بود تبدیل به بوق تبلیغات مالکان میلیاردر و حاکمان سیاسی شده اند و حتی برای به کرسی نشاندن ایده های مالکانشان از دروغگویی و تهمت و افترا زدن و پخش اخبار کذب نیز ابایی ندارند. در چنین جوی، سوق به سوی هرج و مرج اخلاقی امری بدیهی است.

آخرین عامل بازدارنده کلیسا است. در اینجا منظور از کلیسا به معنای دقیق کلمه یعنی گروه متشکل از همه ایمانداران واقعی به مسیح در طول تاریخ نیست (ر.ک. به بحث نجات یافتگان) بلکه منظور کلیساهای سازمان یافته مطرح در جهان است مانند کلیسای کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان.

هدف اصلی این کلیسا ها می بایست رساندن پیغام انجیل به مردم دنیا باشد. طبعاً پیغام انجیل که خبر خوش نجات انسان

و کسب حیات جاودانی است با خبر بد گناه و نتیجه اش که مرگ ابدی است شروع می شود (بدون اعلام خبر بد، اعلام خبر خوش معنی ندارد). پیغام انجیل مانند تلنگری بر وجدان خفته مردم است و با خود بیداری روحانی را به ارمغان می آورد. ولی متأسفانه با گذشت زمان اکثر کلیسا های سازمان یافته به دلایل مختلف که بررسی آنها در این بحث کنونی نمی گنجد تبدیل به سازمان های سیاسی، اجتماعی و مالی شده اند که صرفاً ظاهری مذهبی دارند ولی اکثراً در باطن از روح خدا و کلام وی تهی هستند. بیشتر کلیسا های محلی کاتولیک و ارتدوکس در کشور های مختلف مخصوصاً در اروپا تبدیل به موزه هایی برای بازدید توریست ها شده اند. ظاهراً برای رهبرانی مانند پاپ گرمایش کره زمین و ورود مهاجران غیر قانونی لاتین تبار به خاک آمریکا بسیار مهمتر از موعظه پیغام انجیل و حیات جاودانی به انسان ها است. جالب است بدانید که اکثر رهبران این کلیسا ها نیز تبدیل به مترسک های سیاسی حاکمان زور و زر و زر شده اند!

در چنین آشفته بازاری جای تعجب نیست که ارزش های اخلاقی از کوچه و پس کوچه های شهرهایمان برچیده شوند.

با فروپاشی اخلاقی «گناه» مانند ویروسی همه گیر، غیر قابل کنترل می گردد. شهوت رانی و بی بند و باری جنسی از نتایج اولیه این فروپاشی اخلاقی است (به اصطلاح انقلاب جنسی). جالب است که حتی در جوامع بسیار بسته مذهبی که حکمرانان با چوب و چماق خواهان کنترل بی بند و باری جنسی هستند نیز با شکست مواجه شده اند. بی بند و باری جنسی مانند آتشی شعله ور همه چیز را می سوزاند و به پیش می رود.

دومین نشانه فروپاشی اخلاقی، انقلاب همجنسگرایی و انحرافات جنسی غیر طبیعی است. این گروه ها که شاید کمتر از دو درصد جوامع مختلف را تشکیل می دهند در سالهای اخیر به شدت در صحنه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای مختلف مخصوصاً کشورهای غربی حضور فعال دارند. همجنسگرایان در رسانه های لیبرال و هالیوود نقش برجسته ای ایفا می کنند و در سراسر دنیا با کمپین های (پیکار های) بسیار پرخاشگر، شیوه زندگی نامتعارف خود را بسیار طبیعی معرفی می کنند و خواهان جلب ترحم و دلسوزی مردم نیز هستند و به طبع روز به روز به تعدادشان نیز اضافه می شود. این افراد خواهان

داشتن حق ازدواج و پذیرفتن فرزندان نیز هستند که خود فروپاشی خانواده را شتاب خواهد بخشید.

ضربه نهایی فروپاشی اخلاقی مانند پتکی چند تنی بر فرق سر انسان ها که همانا «ذهن» است فرود می آید! ذهن انسان ها دیگر توانایی تعقل صحیح را از دست می دهد و تبدیل به ذهنی باطل و فرومایه می شود.

پولس رسول در رساله خود خطاب به ایمانداران در روم می گوید:

« ۱۸ زیرا غضب خدا از آسمان به ظهور می رسد بر هر گونه بی دینی و شرارت انسانهایی که با شرارت خود حقیقت را سرکوب می کنند. ۱۹ زیرا آنچه از خدا می توان شناخت بر آنان آشکار است، چون خدا آن را بر ایشان آشکار ساخته است. ۲۰ زیرا از آغاز آفرینش جهان، صفات نادیدنی خدا، یعنی قدرتِ سرمدی و الوهیت او را می توان با ادراک از امور جهانِ مخلوق، به روشنی دید. پس آنان را هیچ عذری نیست.

۲۱ زیرا هرچند خدا را شناختند، اما او را چون خدا حرمت نداشتند و سپاس نگفتند، بلکه در اندیشه خود به بطالت گرفتار آمدند و دلهای بی فهم ایشان را تاریکی فرا گرفت...

۲۶ پس خدا نیز ایشان را در شهواتی شرم‌آور به حال خود وا گذاشت. حتی زنانشان، روابط طبیعی را با روابط غیرطبیعی معاوضه کردند. ۲۷ به همین‌سان، مردان نیز از روابط طبیعی با زنان دست کشیده، در آتش شهوت نسبت به یکدیگر سوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال شرم‌آور شده، مکافاتِ درخورِ انحرافشان را در خود یافتند.

۲۸ و همان‌گونه که برای آنان شناخت خدا ارزشی نداشت، خدا نیز آنان را به ذهنی فرومایه وا گذاشت تا مرتکب اعمال ناشایست شوند. ۲۹ ایشان از هر گونه نادرستی، شرارت، طمع و خباثت آکنده‌اند. مملو از حسد، قتل، جدال، فریب و بدخواهی‌اند. شایعه‌ساز، ۳۰ تهمت‌زن، متنفر از خدا، گستاخ، متکبر و خودستایند. برای انجام اعمال شریرانه، راههایی نو ابداع می‌کنند. نافرمان به والدین، ۳۱ بی‌فهم، بی‌وفا، بی‌عاطفه و بی‌رحمند. ۳۲ هرچند از حکم عادلانه خدا آگاهند که مکافات مرتکبانِ چنین اعمالی مرگ است، نه تنها خود آنها را انجام می‌دهند، بلکه کسانی را نیز که مرتکب آنها می‌شوند، تأیید می‌کنند.» رومیان ۱: ۱۸-۳۲

هنگامی که شرارت به نقطه اوج می‌رسد؛ خدا ماشه وقایع آخر زمان را می‌کشد!

قسمت سوم: پیشگویی بی نظیر دانیال نبی (کتاب دانیال فصل نهم)

کتاب دانیال نبی و پیشگویی های این کتاب که در قرن ششم پیش از میلاد نوشته شده است یکی از شگفت انگیزترین کتاب های عهد عتیق بشمار می آید. در یکی از این پیشگویی ها (کتاب دانیال فصل ۷) که در مورد صعود و افول چهار امپراتوری بابل، فارس، یونان و روم است؛ مکتوب است که در آینده ای دور قدرتی مرموز از بقایای امپراتوری روم مجددا ظهور خواهد کرد که با پادشاهان پیشین بسیار متفاوت خواهد بود و از نظر قدرت سیاسی و نظامی بر تمام حکومت های دنیا استیلا خواهد یافت. اما ویژگی منحصر به فرد این حکومت و رهبر آن این است که به شدت «ضد مسیح» خواهد بود!

یوحنا رسول نیز در رساله اول خود به این امر اشاره می کند:

« ۱۸ بچه‌ها، این ساعتِ آخر است و چنانکه شنیده‌اید ضدمسیح می‌آید، هم‌اکنون نیز ضدمسیحان بسیار ظهور کرده‌اند، و از همین درمی‌یابیم که ساعتِ آخر است. »
اول یوحنا ۲: ۱۸

وقایع آخر زمان به نحوی به سرنوشت این رهبر و حکومتش گره خورده است و ما سعی خواهیم کرد که هویت این رهبر را از پیشگویی‌های دیگر کتاب دانیال و نیز کتب عهد جدید تا حدی آشکار کنیم. به دلیل پیچیدگی موضوع از ورود به جزئیات پیشگویی‌ها و نحوه تفسیر آنها خودداری می‌کنیم و مطالب را بسیار خلاصه و کلی ارائه خواهیم کرد. احتمالاً درک این پیشگویی‌ها برای دوستانی که برای اولین بار این مطالب را مطالعه می‌کنند؛ غامض خواهد بود.

در ادامه پیشگویی بسیار شگفت‌انگیز از فصل نهم کتاب دانیال را بررسی می‌کنیم: (تاریخ این پیشگویی حول و حوش ۵۳۹ پیش از میلاد است)

« ۱ در نخستین سالِ داریوش پسر خشایارشا که از نسل
مادها بود و بر مملکت کلدانیان پادشاه شده بود، ...
۲۲ او (جبرائیل) مرا فهم بخشیده، با من سخن گفت و
فرمود: «ای دانیال، اکنون بیرون آمده‌ام تا تو را بصیرت و
فهم بخشم. ۲۳ در آغازِ تمناهایت امر صادر گردید و من
آمده‌ام تا تو را خبر دهم، زیرا که تو بسیار محبوبی. پس در
این پیام تأمل کن و رؤیا را درک نما.
۲۴ هفتاد هفته برای قوم تو و برای شهر مقدست مقرر
گشته است تا به نافرمانی خاتمه داده شود و گناه پایان پذیرد
و تقصیر کفاره گردد و پارسایی جاودانی آورده شود و رؤیا
و نبوت مهر گردد و قدس‌الاقداص مسح شود. ۲۵ پس بدان
و بفهم که از صدور فرمان جهت مرمت و بازسازی اورشلیم
تا آمدن مسیح رهبر، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد
بود. و اورشلیم با میدان و خندقش در زمانهای تنگی مرمت
و بازسازی خواهد شد. ۲۶ پس از آن شصت و دو هفته،
مسیح منقطع خواهد شد و هیچ نخواهد داشت. قوم آن رهبر
که می‌آید، شهر و قدس را نابود خواهند کرد. پایان آن با
سیل خواهد بود و تا به آخر، جنگ خواهد بود. پس ویرانیها
مقرر است. ۲۷ او برای یک هفته عهده را با بسیاری

استوار خواهد کرد، و در نیمه آن هفته، قربانی و هدیه را متوقف خواهد ساخت. و بر بال رجاسات ویرانکننده‌ای خواهد آمد، تا پایانی که مقرر است بر ویرانکننده ریخته شود.» کتاب دانیال نبی ۹: ۱ و ۲۲-۲۷

توجه کنید که در زمان این پیشگویی قوم یهود به دلیل عصیان و نافرمانی در اسارت بابل بسر می بردند. امپراتوری فارس در حول و حوش ۵۳۹ پیش از میلاد امپراتوری بابل را شکست داد و بر شهر با شکوه بابل قدیم استیلا یافت. در حالی که قوم یهود در اسارت بابل به سر می بردند؛ شهر اورشلیم و معبد با شکوه و عظیم آن که توسط سلیمان پادشاه ساخته شده بود توسط نبوکد نصر پادشاه قدرتمند بابل به تلی از خاک تبدیل شده بودند. طبق پیشگویی ارمیا نبی که در بحث «چگونه کتاب مقدس را مطالعه و تفسیر کنیم؟» مختصری به آن اشاره کردیم قوم یهود بعد از هفتاد سال اسارت بابل به تدریج به سرزمین خود باز گشتند؛ البته برخی نیز در همان منطقه بابل و فارس سکنی گزیدند.

کوروش کبیر پادشاه هخامنشی فرمان آزادی یهودیان برای بازگشت به سرزمینشان را صادر کرد. در این پیشگویی

دانیال، خدا جزئیاتی از رویداد های آینده ای که برای این قوم اتفاق خواهند افتاد آشکار می کند که به نحوی مرتبط به زمان های آخر و آن رهبر «ضد مسیح» نیز است. در این پیشگویی کلمه «هفته» مطابق تقویم یهودی به معنی «هفت سال» است (شبهه کلمه «دهه») و هر سال ۳۶۰ روز می باشد. (استفاده از کلمه «هفته» بجای هفت سال نزد یهودیان بسیار رایج بود زیرا مطابق شریعت موسی می بایست شش سال بر روی قطعه زمینی به کشت و زرع می پرداختند و سال هفتم آن را به حال خود رها می کردند که اصطلاحاً سال سَبْت (شَبَتْ به عبری) یا سال آرامی می نامیدند.)

در پیشگویی دانیال به «هفتاد هفته» اشاره شده که به این صورت تفکیک شده است (مجدداً متن را مرور کنید):

$$۷۰ \text{ هفته} = ۷ \text{ (هفته)} + ۶۲ \text{ (هفته)} + ۱ \text{ (هفته)}$$

در این پیشگویی به شش مورد اشاره شده است که در طول این ۷۰ هفته تحقق خواهند یافت: ۱- نافرمانی خاتمه داده شود. ۲- گناه پایان پذیرد. ۳- تقصیر کفار ه گردد. ۴- پارسایی جاودانی آورده شود. ۵- رؤیا و نبوت مهر گردد. ۶- قدس الاقداس مسح شود.

سه مورد اول در طول ۶۹ (۶۲+۷) هفته (۴۸۳ سال
یهودی که هر سال ۳۶۰ روز است) و سه مورد دوم بعد از
یک هفته آخر یعنی حدوداً بعد از پایان وقایع هفت سال آخر
زمان اتفاق می افتند.

دقیقا معنی این شش مورد چیست؟ و دقیقا این سالها چه
معنایی دارند؟

۱- نافرمانی خاتمه داده شود: خدا، قوم اسرائیل را به دلیل
نافرمانی برای مدت هفتاد سال به اسارت بابل فرستاد. بعد
از این مدت این قوم به تدریج به یهودیه بازگشتند و بدین
ترتیب دورانی که به دلیل نافرمانی به اسارت رفته بودند با
فرمان آزادی کوروش خاتمه یافت.

۲ و ۳- گناه پایان پذیرد و تقصیر کفاره گردد. این دو مورد در
صلیب مسیح تحقق یافتند. مجدداً به آیه ۲۵ و ۲۶ توجه
کنید:

«۲۵ پس بدان و بفهم که از صدور فرمان جهت مرمت و
بازسازی اورشلیم تا آمدن مسیح رهبر، هفت هفته و شصت
و دو هفته خواهد بود. و اورشلیم با میدان و خندقش در
زمانهای تنگی مرمت و بازسازی خواهد شد. ۲۶ پس از آن
شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد شد و هیچ نخواهد
داشت.»

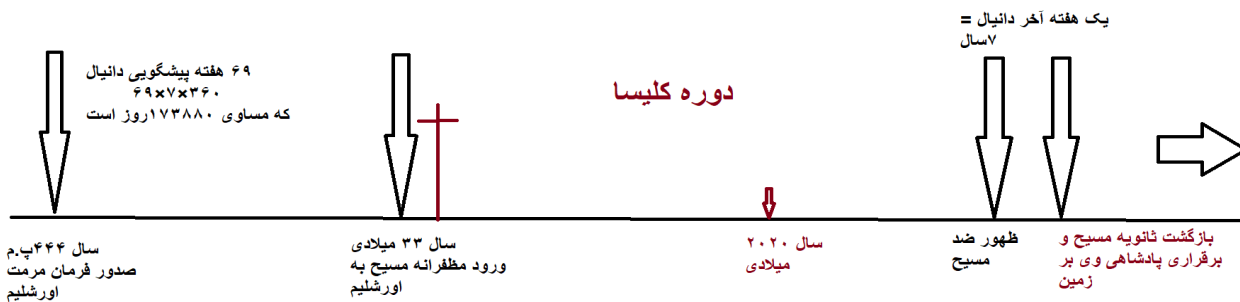
اردشیر شاه (اردشیر دراز دست) در پنجم مارس ۴۴۴ پ.م فرمان مرمت و بازسازی اورشلیم را برای نحمیا نبی صادر کرد. از زمان صدور این فرمان تا آمدن مسیح ۶۹ هفته (۴۸۳ سال یهودی) سپری شد. اگر از پنجم مارس ۴۴۴ پ.م ، ۴۸۳ سال یهودی (۱۷۳۸۸۰ روز $= 360 \times 483$) جلو برویم به ۳۰ مارس ۳۳ میلادی خواهیم رسید. این دقیقا تاریخی است که مسیح سوار بر کره الاغی وارد اورشلیم شد و در جمعه همان هفته (سوم آوریل ۳۳ میلادی) مصلوب گشت. توجه کنید که مطابق پیشگویی دانیال، مسیح منقطع خواهد شد (این کلمه بارها به معنی اعدام مجرمان در عهد عتیق بکار رفته است) و هیچ نخواهد داشت (قوم یهود مسیح را در هنگام نخستین ظهورش نخواهند پذیرفت و به او ایمان نخواهند آورد. مسیح موعود در آن زمان به مقام پادشاهی نخواهد رسید.)

۴ و ۵ و ۶- پارسایی جاودانی آورده شود. رؤیا و نبوت مهر گردد. قدس الاقداس مسح شود.

با در نظر گرفتن فصول ۷- ۱۲ کتاب دانیال متوجه می شویم که این سه رویداد مربوط به بازگشت ثانویه مسیح و

برقراری پادشاهی وی بر این کره خاکی است. (در اینجا وارد جزئیات این سه مورد نمی شویم)

اما چگونه ممکن است که بازگشت ثانویه مسیح در این ۷۰ هفته تحقق یافته باشد؟ این در حالی است که دو هزار سال از صعود مسیح به آسمان می گذرد و هنوز این رویداد واقع نشده است. برای حل این معما باید به این موضوع بسیار مهم توجه داشت که خداوند، دوره کلیسا (دوره ای که بعد از صعود مسیح به آسمان آغاز شده است و تا پیش از شروع یک هفته آخر (۷ سال) دانیال ادامه خواهد داشت) را برای انبیا عهد عتیق مکشوف نکرده است زیرا ربطی به قوم اسرائیل ندارد! به نمودار زیر توجه کنید:



بنابراین دوره کلیسا، بین ۶۹ هفته و یک هفته آخر دانیال قرار گرفته است. دوره کلیسا به دوره امتهای (غیر یهودیان) نیز شهرت دارد که در آن انجیل مسیح به سراسر مردم دنیا بشارت داده خواهد شد. فاصله معمایی بین ۶۹ هفته و یک

هفته به علت وجود «دوره کلیسا» است. بنابراین هفتاد هفته دانیال یک دوره پیوسته نیست. بلکه متشکل از ۶۹ هفته (۴۸۳ سال یهودی که هر سال ۳۶۰ روز است)، سپس دوره کلیسا و در آخر یک هفته نهایی (۷سال) است. با ظهور رهبر «ضد مسیح» دوران کلیسا خاتمه می یابد و مجدداً وقایع آخر زمان حول و حوش اورشلیم، معبد خدا و قوم یهود می چرخد. در واقع «دوره کلیسا» مانع ظهور آن رهبر ضد مسیح است.

آیه ۲۶ در پیشگویی دانیال اینچنین ادامه می یابد:
«...۲۶... قوم آن رهبر که می آید، شهر و قدس را نابود خواهند کرد. پایان آن با سیل خواهد بود و تا به آخر، جنگ خواهد بود. پس ویرانیها مقرر است.»

همانطور که قبلاً اشاره کردیم در سال ۷۰ میلادی لشکر روم به فرماندهی تیتوس (که بعد ها بین سال های ۷۹-۸۱ میلادی امپراتور روم شد) و معاونش ژنرال تیبیریوس ژولیوس، اورشلیم را محاصره و آن شهر و معبد خدا را که یکی از زیباترین بناهای قرن اول میلادی بود با خاک یکسان کردند که صد ها هزار یهودی در این نبرد کشته شدند. جالب است بدانید یکی از افرادی که از این دوران اطلاعات با ارزشی در آثارش به جای گذاشته است؛ فردی

است یهودی به نام یوسف بن ماتیتیا هو معروف به تیتوس فلاویوس ژوزفوس (۳۷-۱۰۰ میلادی) که در سال ۶۷ میلادی به نیروهای روم تسلیم می شود و به عنوان مترجم به نحوی با رومیان شروع به همکاری می کند. وی با جلب اعتماد مقامات رومی شهروندی روم را که در آن زمان بسیار ارزشمند بود کسب می کند. ژوزفوس آثار بسیار ارزشمندی از تاریخ قوم یهود قرن اول میلادی از خود بجای گذاشته است. مجموعه بیست جلدی **Antiquities of Jews** (تاریخ یهود) یکی از آثار مشهور این مورخ یهودی است.

آیه ۲۶ تاکید می کند که «قوم آن رهبر» شهر و قدس (معبد خدا) را نابود خواهند کرد که منظور امپراتوری روم است. با توجه به پیشگویی دانیال در فصل هفتم رهبر «ضد مسیح» در آینده ای دور از بقایای امپراتوری روم ظهور خواهد کرد. توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که امپراتوری روم شامل دو بخش بود: بخش غربی که شامل روم (ایتالیا) و بخشهایی از اروپا و حاشیه شمال و غرب مدیترانه بود و بخش شرقی که بسیار بزرگتر و وسیع تر از بخش غربی بود بیزانس نامیده می شد و شامل

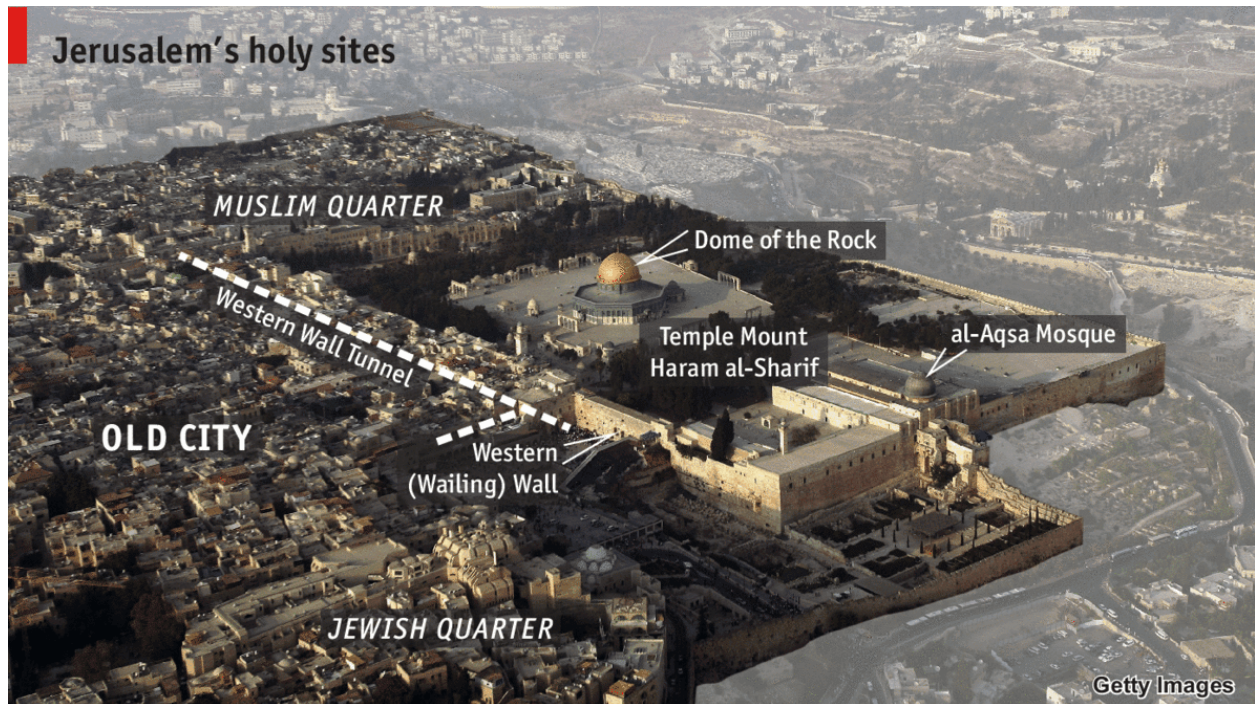
بخشهای پهناوری از اروپای شرقی، آسیای صغیر (ترکیه کنونی) و حاشیه شرقی مدیترانه و شمال آفریقا بود که البته به مرور زمان نقشه این امپراتوری تغییر قابل توجهی کرد. جالب است بدانید که هر چند بخش غربی امپراتوری روم حدود ۴۷۶ میلادی سقوط کرد ولی بیزانس تا قرون وسطی و تا سال ۱۴۵۳ میلادی همچنان پابرجا ماند. بنابراین احتمال اینکه رهبر ضد مسیح از کشورهای بخش شرقی امپراتوری روم ظهور کند نیز وجود دارد. همانطور که بخش انتهایی آیه ۲۶ نشان می دهد قوم اسرائیل از ۷۰ میلادی تا امروز همراه در وضعیت جنگ و کشمکش به سر برده است! (تا به آخر جنگ خواهد بود. پس ویرانی ها مقرر است.)

با توجه به مطالب ارائه شده در (قسمت دوم: فروپاشی اخلاقی)، «دوره کلیسا» ممکن است هر لحظه به پایان برسد. با خاتمه دوره کلیسا بلافاصله هفته آخر (هفت سال) دانیال شروع می شود. هیچکس از اینکه در چه مقطعی از تاریخ دوره کلیسا خاتمه می یابد اطلاعی ندارد.

بعد از نابودی معبد اورشلیم توسط امپراتوری روم در سال ۷۰ میلادی هیچ مراسم قربانی رسمی در کل منطقه یهودیه تا به امروز برگزار نشده است. در طول دو هزار سال گذشته همه یهودیان دیندار و ارتدوکس برای بنای مجدد معبد اورشلیم که مهمترین و مقدس ترین مکان پرستش رسمی دین یهود بشمار می رود هر روز دعا کرده اند.

اما نکته بسیار جالب و بحث انگیز که دانستن آن برای درک آیه ۲۷ پیشگویی دانیال لازم است این است که مطابق شواهد تاریخی و باستان شناسی مکان معبد سلیمان بر کوه معبد (Temple mount) در اورشلیم و دقیقا در محل قبه الصخره واقع شده است !

قبه الصخره با گنبد طلایی، مکانی بسیار مقدس برای عموم مسلمانان دنیا به حساب می آید. (عکس زیر را ملاحظه کنید)



حال با توجه به توضیحات مختصر فوق اجازه دهید به
دنباله پیشگویی کتاب دانیال نبی ۹: ۲۷ بپردازیم:

آیه ۲۷ پیشگویی دانیال مربوط به رهبر ضد مسیح و رویداد
های هفته آخر یا هفت سال آخر قبل از بازگشت ثانویه و
برقراری پادشاهی مسیح بر کره خاکی است:

« ۲۷ او برای یک هفته عهده را با بسیاری استوار خواهد
کرد، و در نیمه آن هفته، قربانی و هدیه را متوقف خواهد

ساخت. و بر بال رجاسات ویران‌کننده‌ای خواهد آمد، تا پایانی که مقرر است بر ویران‌کننده ریخته شود.»

ضمیر «او» در آیه فوق به رهبر ضد مسیح (آن رهبر) اشاره دارد. در آیه ۲۶ ذکر شده است که «قوم آن رهبر که می‌آید، شهر و قدس را نابود خواهد ساخت». در اینجا منظور از «قوم» امپراتوری روم، «شهر» اورشلیم و «قدس» معبد خدا است؛ و چنانکه قبلاً اشاره کردیم در تاریخ ۷۰ میلادی این پیشگویی دقیقاً تحقق یافت و شهر اورشلیم با معبد باشکوه آن با خاک یکسان شد.

حال برای درک آیه ۲۷ و اینکه منظور از «عهد» در این پیشگویی چیست؟ باید کمی دقیق‌تر به ادامه این آیه توجه کنیم؛ در دنباله آیه ۲۷ اشاره شده است که در نیمه آن هفته (یعنی بعد از سه و نیم سال) قربانی و هدیه متوقف خواهد شد! منظور از «قربانی» و «هدیه» مراسمی است که مطابق تورات (مخصوصاً کتاب لاویان در عهد عتیق)، کاهنان یهودی می‌بایست در معبد انجام دهند؛ بنابراین این نشان می‌دهد که در ابتدای یا در طول سه و نیم سال اول حکومت یا نظارت جهانی رهبر ضد مسیح، معبد اورشلیم مجدداً بنا خواهد شد زیرا بدون معبد خدا، امکان برگزاری

مراسم قربانی رسمی برای یهودیان امکان پذیر نیست. این مسئله به ما کمک می کند تا معنی بخش نخست این پیشگویی را بهتر درک کنیم.

« ۲۷ او برای یک هفته عهده را با بسیاری استوار خواهد کرد، و در نیمه آن هفته، قربانی و هدیه را متوقف خواهد ساخت.» دانیال ۹ : ۲۷

نکته بسیار مهم که هنگام تفسیر این پیشگویی باید مد نظر قرار گیرد این است که این آیه در وهله اول در مورد آینده قوم یهود، شهر اورشلیم و معبد آن است. همانطور که اشاره کردیم مطابق فرامین تورات برای اجرای مراسم قربانی و دیگر هدایای تقدیمی، وجود معبد خدا ضروری است؛ این در حالی است که تحقق چنین امری با توجه به خصومت بسیار عمیق بین یهودیان و اعراب (مسلمانان) در شرایط کنونی امری محال جلوه می کند. بنابراین «عهده» که در آیه ۲۷ ذکر شده است اشاره به یک پیمان یا معاهده صلحی است که بین اسرائیل و اعراب با میانجیگری آن رهبر ضد مسیح در این منطقه پر تشنج منعقد خواهد شد!

برای تحقق چنین امری باید بیش از یک میلیارد مسلمان جهان به این امر رضایت دهند که یهودیان در مکان قبه الصخره معبد عظیم و باشکوه خود را مجددا بنا کنند! (جالب است بدانید که سال هاست که یهودیان تدارکات لازم برای ساخت این معبد را دیده اند و همه چیز برای بنای این معبد کاملا مهیا است.)

بنابراین این امر نشان می دهد که رهبر ضد مسیح در ابتدای به قدرت رسیدن در صحنه جهانی نفوذ و محبوبیت فوق العاده ای نزد اقوام و ملل گوناگون خواهد داشت! در قرن های گذشته درک دقیق این آیه تقریبا میسر نبوده است ولی برای ما که در قرن بیست و یکم زندگی می کنیم واضح است که مهمترین معاهده ای که سیاستمداران جهان بخصوص جهان غرب به دنبال انعقاد آن هستند معاهده صلح بین اسرائیل و فلسطین(اعراب) است که طبعا همه کشورهای مسلمان نیز بطور غیر مستقیم در این مناقشه سهمیم هستند. اخیرا معاهده پیشنهادی کاخ سفید در مذاکرات اولیه بین طرف های درگیر «معامله قرن» نامگذاری شده است که خود اهمیت این موضوع را نشان می دهد. طبعا با انعقاد این معاهده صلح شهرت جهانی آن رهبر ضد مسیح دوچندان خواهد شد. از سویی دیگر مردم دنیا از این

که بالاخره تشنج، جنگ و خصومت دائمی در خاورمیانه به پایان می رسد؛ بسیار خرسند خواهند شد و نفس راحتی می کشند. ملل دنیا بیش از پیش خواستار یک حکومت واحد به رهبری همان ضد مسیح (شاید در قالب نظارت سازمان ملل) برای برقراری صلحی پایدار نه تنها در خاورمیانه که در جهان خواهند بود!

اما منش صلح طلبانه آن رهبر ضد مسیح صرفاً پوششی برای کتمان ذات و طبیعت واقعی (شیطانی) او است و به تدریج و با نزدیک شدن به میانه هفت سال (آغاز سه و نیم سال دوم) آن رهبر هویت اصلی خود را به نمایش خواهد گذاشت.

یکی از مهمترین دستاوردهای رهبر ضد مسیح در بدو برقراری و گسترش حکومت یا نظارت جهانی اش انعقاد

معاهده صلح تاریخی بین اسرائیل و اعراب (مسلمانان) است که پیامد آن شهرت و محبوبیت بیشتر وی نزد ملل مختلف و همچنین تثبیت بیشتر قدرتش خواهد بود. اما اشاره کردیم که بعد از مدتی این رهبر ضد مسیح ذات اصلی خود را به تدریج آشکار خواهد ساخت. برای روشن شدن بیشتر موضوع اجازه دهید مجدداً به ادامه پیشگویی بی نظیر دانیال نبی برگردیم و با موشکافی آن را بررسی کنیم:

« ۲۷ او برای یک هفته عهده‌ی را با بسیاری استوار خواهد کرد، و در نیمه‌ی آن هفته، قربانی و هدیه را متوقف خواهد ساخت. و بر بال رجاسات ویران‌کننده‌ای خواهد آمد، تا پایانی که مقرر است بر ویران‌کننده ریخته شود.»
کتاب دانیال نبی ۹ : ۲۷

در نیمه هفته یعنی بعد از گذشت سه و نیم سال از انعقاد پیمان صلح و بنای معبد اورشلیم در محل قبه الصخره، آن رهبر ضد مسیح چهره واقعی خود را با زیر پا گذاشتن مفاد آن معاهده صلح آشکار می‌سازد. ملاحظه کنید در این پیشگویی جبرئیل فرشته به دانیال می‌گوید که آن رهبر

قربانی و هدیه را در نیمه آن هفته متوقف خواهد ساخت!
زیرا ذات واقعی آن رهبر (ویران کننده) بر بال
رجاسات (نیروهای شرارت و پلیدی) استوار است.
برای شناخت دقیق تر هویت آن رهبر اجازه دهید از کتاب
مکاشفه عهد جدید (به قلم یوحنا رسول) آیاتی را که نور
بیشتری بر این موضوع می تابند؛ بطور بسیار خلاصه و
بدون وارد شدن به جزئیات بررسی کنیم:

« ۳ آنگاه نشانی دیگر در آسمان پدیدار شد: اژدهایی
سرخ فام و عظیم که هفت سر داشت و ده شاخ، و هفت تاج
بر سرهایش بود. ۴ دُمش یک سَوم ستارگان آسمان را
جاروب کرد و بر زمین فرو ریخت... ۷ و ناگهان جنگی در
آسمان درگرفت. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگیدند و
اژدها و فرشتگانش در برابر آنان به پیکار ایستادند، ۸ اما
شکست خوردند و پایگاه خود را در آسمان از دست دادند.
۹ اژدهای بزرگ به زیر افکنده شد، همان مار کهن که
ابلیس یا شیطان نام دارد و جمله جهان را به گمراهی
می کشاند. هم او و هم فرشتگانش به زمین افکنده شدند. »
کتاب مکاشفه ۱۲ : ۱-۹

« ۱ و اژدها بر شنهای کنار دریا ایستاد.

آنگاه دیدم وحشی از دریا بیرون می‌آید. ده شاخ داشت و هفت سر، با ده تاج بر شاخهایش؛ و بر هر سرش نامی کفرآمیز نوشته شده بود. ۲ آن وحش که من دیدم به پلنگ می‌مانست، اما پاهای خرس داشت و دهان شیر. و اژدها قدرت خود را و تخت خود را به وحش داد و اقتداری عظیم به او بخشید. « کتاب مکاشفه ۱۳ : ۱ و ۲

در بخش نخست، اژدهای سرخ فام همان شیطان است. او که در قالب ماری در باغ عدن ظاهر شد و حوا را فریب داد در حقیقت اژدهایی خوفناک است که قصدش نابودی همه خلقت خدا به ویژه انسان ها است که به شباهت خداوند آفریده شده اند. سرخ فام بودن اژدها نشانه قاتل بودن آن موجود است. مسیح در مورد ابلیس می گوید:

« ۴۴... او از آغاز قاتل بود و با حقیقت نسبتی نداشت، زیرا هیچ حقیقتی در او نیست. هر گاه دروغ می‌گوید، از ذات خود می‌گوید؛ چرا که دروغگو و پدر همه دروغهاست. »

یوحنا ۸ : ۴۴

توجه کنید که ابلیس هفت سر و ده شاخ دارد که کنایه از اقتدار و حاکمیت اوست که به طور موقت مطابق اراده ازلی و ابدی خداوند به وی داده شده است. این اژدها موفق می

شود که یک سوم ستارگان آسمان (فرشتگان) را با خود همراه سازد تا بر علیه خدا طغیان کنند و بنابراین با سقوط ابلیس فرشتگان شریر نیز سقوط می کنند و مقام و موقعیت والای خود در آسمان را برای همیشه از دست می دهند. در بخش دوم، با صحنه ترسناک دیگری مواجه می شویم که مربوط به هفته آخر دانیال است. یوحنا به «وحشی» اشاره می کند که در میان ملل دنیا (از دریا) ظاهر می شود. این وحش دقیقا مانند اژدها دارای هفت سر و ده شاخ است و اژدها (ابلیس) به آن وحش قدرتی عظیم می بخشد. در اینجا سوالی که پیش می آید این است که آیا این وحش همان رهبر ضد مسیح است که در پیشگویی بی نظیر دانیال به او اشاره شده است؟ کافی است تا به آیه ۵ مکاشفه فصل ۱۳ نگاهی بیاندازیم:

«۵ به وحش دهانی داده شد تا سخنان نخوت‌بار و کفرآمیز بگوید، و اجازه یافت تا اقتدار خود را چهل و دو ماه (سه سال و نیم) به کار برد.» مکاشفه ۱۳ : ۵

همانطور که ملاحظه می کنید آیه فوق توصیف دقیق رهبر ضد مسیح در نیمه دوم هفته دانیال است که وی چهره واقعی خود را به جهان آشکار خواهد کرد و مفاد معاهده صلح را زیر پا خواهد نهاد!

در واقع آن وحش (رهبر ضد مسیح) نماینده کامل و نهایی
شیطان بر زمین خواهد بود!
اطلاق کلمه «وحش» به آن رهبر ضد مسیح حکایت از
خوی درندگی و خشن وی دارد.

حکومت آن وحش از نظر اقتدار سیاسی، نظامی و اقتصادی
شبيه سه امپراتوری بزرگ پیش از خود یعنی امپراتوری
بابل (شیر)، فارس(خرس) و یونان (پلنگ) خواهد بود و بر
تمام جهان حکمرانی و نظارت خواهد کرد. آن وحش در ابتدا
با پیام صلح و همبستگی(اتحاد و دوستی) قدرتش را در
جهان تثبیت می کند ولی تمام فعالیت های وی در جهت
پیاده کردن کامل اهداف نهایی شیطان بر زمین خواهد بود.

قسمت چهارم: بررسی مکاشفه یوحنا فصل های ۱۳ و ۱۷

در قسمت سوم به این نکته اشاره کردیم که به تدریج با تثبیت قدرت و موقعیتش، رهبر ضد مسیح در میانه دوره هفت سال حکومتش که کاملاً جنبه جهانی خواهد داشت چهره واقعی و شیطانی خود را آشکار خواهد ساخت. از اولین نشانه های بارز آن زیر پا نهادن مفاد معاهده صلح بین اسرائیل و فلسطین (اعراب و مسلمانان) خواهد بود. شعار صلح، دوستی و همبستگی بین الملل آن رهبر ضد مسیح در طول سه و نیم سال اول حکومتش که وی را به درجه فوق العاده ای از محبوبیت جهانی می رساند ناگهان جای خود را به زمزمه های «جنگ» خواهد داد!

قبل از اینکه به وقایع مهیب سه و نیم سال دوم آن دوره بپردازیم اجازه دهید به یک ویژگی بسیار مهم دیگر آن حکومت نهایی در طول سه و نیم سال اول اشاره کنیم. با توجه به طبیعت و ذات شیطانی آن رهبر ضد مسیح سوالی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که جایگاه پیروان ادیان جهان و مخصوصاً ادیان سازمان یافته مانند دین یهود، مسیحیت و اسلام در آن دوران به چه

صورتی خواهند بود؟ (در اینجا منظور از پیروان ادیان، ایمانداران واقعی به مسیح و کلیسای واقعی نیست.)

یادآوری مجدد واقعه طوفان نوح برای درک حوادث آخر زمان بسیار ضروری و واجب است!

قبلا در قسمت اول این مبحث اشاره کردیم که فروپاشی اخلاقی انسان ها بر روی کره خاکی و به اوج رسیدن شرارت انسان ها باعث شد که خدا ساکنان کره زمین را با طوفان عظیمی نابود سازد و تنها هشت نفر یعنی نوح و خانواده اش و جفتی از حیوانات از این طوفان نجات یافتند. کشتی نوح نمادی از «نجات و فیض عظیم خدا» است که در کفاره مسیح برای همه ایمانداران واقعی فراهم شده است.

همانطور که نوح و اعضای خانواده اش از داوری خدا رستگار شدند؛ ایمانداران واقعی به مسیح نیز از داوری عظیم خدا بر ساکنان کره زمین در آخر زمان در امان خواهند بود و سهمی در آن نخواهند داشت. (در آینده این موضوع را بیشتر بررسی خواهیم کرد.)

اما سرنوشت پیروان و مخصوصا رهبران ادیان سازمان یافته دنیا در دوره حکومت رهبر ضد مسیح چه خواهد شد؟ این سوال بسیار مهمی است که برای جواب دادن به آن باید

پیشگویی های متعدد کتاب مقدس را به دقت مطالعه و بررسی کنیم.

قبلا اشاره کردیم که رهبر ضد مسیح با میانجیگری و پیام صلح، محبوبیت و جایگاه خاصی نزد ملل گوناگون جهان بخصوص نزد یهودیان و مسلمانان به دست خواهد آورد و اکثریت مردم دنیا کاملا به آن رهبر اعتماد و اطمینان خواهند کرد؛ بسیاری نیز با تمام وجود باور خواهند کرد که وی نجات دهنده انسان ها از ظلم و بی عدالتی و پیام آور صلح و دوستی است!

بررسی رویداد بسیار مهم و قابل توجه دیگری که در بدو این دوره اتفاق خواهد افتاد به ما کمک می کند که به سوال بسیار مهم مطرح شده در فوق پاسخ دهیم. برای تشریح این رویداد مجدداً به کتاب مکاشفه یوحنا فصل ۱۳ رجوع می کنیم:

« ۱ و ازدها بر شنهای کنار دریا ایستاد. آنگاه دیدم وحشی از دریا بیرون می آید. ده شاخ داشت و هفت سر، با ده تاج بر شاخهایش؛ و بر هر سرش نامی کفرآمیز نوشته شده بود. ۲ آن وحش که من دیدم به پلنگ می مانست، اما پاهای

خرس داشت و دهان شیر. و اژدها قدرت خود را و تخت خود را به وحش داد و اقتداری عظیم به او بخشید...

۱۱ آنگاه دیدم وحشی دیگر از زمین بیرون می‌آید.
همچون بره دو شاخ داشت ولی مانند اژدها سخن می‌گفت...
۱۳ آیات عظیم از او به ظهور می‌رسید و حتی موجب می‌شد پیش چشم مردم آتش از آسمان بر زمین فرو بارد.
۱۴ به سبب آیاتی که اجازه داشت به حضور آن وحش به ظهور آورد، ساکنان زمین را بفریفت...»

آیات ۱ و ۲ را قبلا بررسی کردیم. این آیات به طبیعت شیطانی آن رهبر ضد مسیح اشاره می‌کنند و نشان می‌دهند که وی نماینده شیطان بر زمین خواهد بود که در قالب یک رهبر قدرتمند سیاسی در صحنه جهانی ظهور خواهد کرد.

اما آیه ۱۱ به وحش بسیار عجیب دیگری اشاره می‌کند که شبیه «بره» است و آیات و معجزات بزرگی از او ظاهر می‌شود! برآستی آن وحش دیگر اشاره به چه کسی است؟ در اینکه وحش دوم نیز مانند وحش اول طبیعت شیطانی دارد هیچ شکی نیست. آیه ۱۱ تصریح می‌کند که آن بره همچون اژدها (شیطان) سخن می‌گوید و برای تثبیت قدرت وحش اول (رهبر ضد مسیح) با انجام معجزات و آیات شیطانی مردم دنیا را فریب می‌دهد. نگاهی دقیق تر به این

پیشگویی عجیب هویت این وحش دوم را کمی بیشتر آشکار می‌سازد.

در این پیشگویی یوحنا اشاره می‌کند که وحش دوم شبیه «بره» است و این تشبیه بسیار حائز اهمیت است. در کتاب مقدس کلمه «بره» بارها و بارها به عیسی مسیح خداوند اطلاق شده است که جان خود را مانند بره ای بی عیب و بی آرایش برای نجات انسان‌ها قربانی می‌کند. به آیات زیر توجه کنید:

۲۹ فردای آن روز، یحیی چون عیسی را دید که به سویش می‌آید، گفت: «این است بره‌ی خدا که گناه از جهان برمی‌گیرد! انجیل یوحنا ۱: ۲۹»

« ۷ آزار و ستم دید، اما دهان نگشود؛ همچون بره‌ای که برای ذبح می‌برند، و چون گوسفندی که نزد پشم‌برنده‌اش خاموش است، همچنان دهان نگشود.» اشعیا نبی ۵۳: ۷

اما وحش دوم در رویای یوحنا رسول شبیه بره ای است که مانند اژدها سخن می‌گوید! بنابراین وی مسیح کاذبی است که برای فریب مردم جهان ظهور خواهد کرد و با انجام

معجزات و آیات عجیب به تثبیت قدرت سیاسی و نظامی رهبر ضد مسیح کمک خواهد نمود.

در طول تاریخ رهبران ضد مسیح و ضد خدای بسیاری بر مسند حکومت نشسته اند ولی رهبر ضد مسیح نهایی اشاره شده در پیشگویی دانیال هنوز ظهور نکرده است؛ افراد متعددی نیز در طول تاریخ ادعا کرده اند که مسیح موعود هستند و بسیاری را از راستی منحرف ساخته اند؛ ولی وحش دوم در پیشگویی فصل ۱۳ مکاشفه، مسیح کاذب نهایی است که با اقتدار کامل از سوی شیطان در هفته آخر دانیال (هفت سال نهایی حکومت رهبر ضد مسیح) همزمان با آن رهبر ظهور خواهد کرد!

پیشگویی مسیح در مورد زمان های آخر نیز دقیقاً تفسیر فوق را تایید می کند :

« ۱۰ در آن روزها بسیاری از ایمان خود بازگشته، به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر متنفر خواهند شد. ۱۱ پیامبران دروغین زیادی برخاسته، بسیاری را گمراه خواهند کرد...»

۱۵ «پس چون آنچه را دانیال نبی 'مکروه ویرانگر' نامیده در مکان مقدس برپا بینید-خواننده دقت کند - ... ۲۱ زیرا

در آن زمان چنان مصیبت عظیمی روی خواهد داد که مانندش از آغاز جهان تا کنون روی نداده، و هرگز نیز روی نخواهد داد. ۲۲ اگر آن روزها کوتاه نمی‌شد، هیچ بشری جان سالم به در نمی‌برد. اما به‌خاطر برگزیدگان کوتاه خواهد شد.

۲۳ «در آن زمان، اگر کسی به شما گوید، "ببینید، مسیح اینجا است!" یا "مسیح آنجاست!" باور مکنید. ۲۴ زیرا مسیحان کاذب و پیامبران دروغین برخاسته، آیات و معجزات عظیم به ظهور خواهند آورد تا اگر ممکن باشد، حتی برگزیدگان را گمراه کنند. ۲۵ ببینید، پیشاپیش به شما گفتم.» انجیل متی ۲۴: ۱۰-۲۵

وحش اول رهبری سیاسی، نظامی و اقتصادی دنیا و وحش دوم رهبری تمام ادیان سازمان یافته دنیا را به دست خواهند گرفت و هر دو به عنوان نمایندگان شیطان بر کره زمین اهداف اژدها را تحقق خواهند بخشید.

نکته بسیار جالب توجه این است که این دو رهبر با پیام صلح و دوستی و همبستگی موفق به فریب رهبران همه ادیان سازمان یافته مخصوصاً یهود، مسیحیت و اسلام خواهند شد.

در طول هفت سال نهایی روند کنونی تاریخ، رهبر «ضد مسیح» رهبری سیاسی، نظامی و اقتصادی سراسر دنیا و مسیح یا نبی کاذب رهبری تمام ادیان سازمان یافته دنیا را به دست خواهند گرفت. در طول سه و نیم سال اول حکومت جهانی رهبر ضد مسیح، ائتلافی از ادیان سازمان یافته به خصوص یهود، مسیحیت و اسلام تشکیل خواهد شد و این دو رهبر شیطانی از طریق این ائتلاف موقعیت و قدرت خود را با شعار صلح و همبستگی در سراسر دنیا تثبیت خواهند کرد. اما این ائتلاف ادیان یا شاید دقیق تر ائتلاف رهبران ادیان به نوبه خود برای مدتی کوتاه رخصت خواهد یافت تا نفوذ و جایگاهی ویژه در صحنه جهانی بیابد و پیوند نامقدس حکومت و دین برای رقابت بر سر قدرت، منابع مالی و سلطه بر انسان ها به نقطه اوج خود خواهد رسید؛ ولی ناگهان در میانه دوره هفت ساله این ائتلاف توسط

رهبر ضد مسیح و مسیح کاذب برای همیشه نابود خواهد شد!

در اینجا با بررسی برخی رویداد های کتاب مکاشفه، سعی خواهیم کرد تا تصویر دقیق تری از پیشگویی دانیال نبی ۹: ۲۷ را ارائه دهیم. حتما پیشگویی دانیال را به یاد دارید: «۲۷ او برای یک هفته عهده را با بسیاری استوار خواهد کرد، و در نیمه آن هفته، قربانی و هدیه را متوقف خواهد ساخت. و بر بال رجاسات ویران کننده ای خواهد آمد، تا پایانی که مقرر است بر ویران کننده ریخته شود.» کتاب دانیال نبی ۹: ۲۷

اجازه دهید به یکی دیگر از پیشگویی های کتاب مکاشفه فصل ۱۷ بپردازیم که این رویداد بسیار نامبارک را به شکلی بسیار چشمگیر به تصویر میکشد:

۱ آنگاه از آن هفت فرشته که آن هفت پیاله را در دست داشتند یکی پیش آمد و با من (یوحنا) گفت: «بیا تا مجازات آن فاحشه بزرگ لمیده بر آبهای بسیار را نشانت دهم. ۲ با او بود که پادشاهان زمین زنا کردند و از شراب هم آغوشی های او بود که ساکنان زمین مست شدند.» ۳ پس آن فرشته مرا در روح به بیابانی برد. در آنجا زنی دیدم نشسته بر پشت وحشی سرخ فام که پیکرش یکسره با

نامهای کفرآمیز پوشیده شده بود، و هفت سر و ده شاخ داشت. ۴ و زن جامه سرخ و ارغوانی بر تن داشت و در برق طلا و جواهر و مروارید می‌درخشید. جامی زرین به دست داشت سرشار از همه زشتیها و آکنده از ناپاکی هم‌آغوشی‌هایش. ۵ و این نام مرموز بر پیشانی او نوشته شده بود: «بابل بزرگ، مادر فواحش و زشتیهای زمین...»

۱۵ آنگاه فرشته با من گفت: «آن آبها که دیدی، که فاحشه بر آنها قرار دارد، همانا ملتها و جماعتها و قومها و زبانها هستند. ۱۶ آن وحش و آن ده شاخ که دیدی، از فاحشه بیزار خواهند شد. او را نابود خواهند کرد و عریان رها خواهند نمود. گوشت او را خواهند خورد و او را در آتش خواهند سوزاند. ۱۷ زیرا که خدا در دل آنها نهاده است که خواست او را برآورند و با رضای خاطر عنان قدرت و حکومت خود را به دست آن وحش بسپارند، تا آنگاه که کلام خدا به تمامی تحقق یابد.

کتاب مکاشفه ۱۷: ۱ - ۱۷

براستی در این رویای یوحنا رسول آن «زن فاحشه» اشاره به چیست؟

در اینجا استدلال خواهیم کرد که آن زن فاحشه که سوار بر وحش سرخ فام و در حال تاختن است همان ائتلاف نهایی

ادیان و ایدئولوژی های سازمان یافته دنیاست که در انتها
به سرنوشت شومی دچار خواهد شد.
برای درک دقیق این رویا یادآوری این نکته ضروری است
که در عهد جدید کتاب مقدس، کلیسای واقعی مسیح که
متشکل از همه ایمانداران واقعی به مسیح در سراسر تاریخ
است گاهی به «عروس مسیح» تشبیه شده است که با کفاره
مسیح از آرایش گناه شسته شده و لباس سپیدی بر تن
دارد!

۱ پس از آن، صدایی شنیدم که به خروش جماعتی عظیم
در آسمان می‌مانست، که می‌گفتند:

«هَللویاه!

نجات و جلال و قدرت از آن خدای ماست،
۲ که داوریهایش حق است و عدل است.
آن فاحشه بزرگ را جزا داده
که زمین را با زنايش به فساد کشید،
و از او انتقام خون بندگان خود را گرفته است.»

۶...
...

«هَللویاه!

زیرا که خداوند خدای ما،
آن قادر مطلق، سلطنت آغاز کرده است.
۷ به وجد آییم و شادی کنیم، و او را جلال دهیم،

زیرا زمان عروسی آن بره فرا رسیده،
و عروس او خود را آماده ساخته است؛
۸ جامه کتان نفیس و درخشان و پاکیزه به او بخشیده شد تا
به تن کند.»

۹ آنگاه فرشته به من گفت: «بنویس: خوشا به حال آنان که
به ضیافت عروسی آن بره دعوت می‌شوند.»
کتاب مکاشفه ۱۹: ۱-۹

همانطور که ملاحظه می‌کنید در فصل نوزدهم «عروس»
مسیح بر خلاف «زن فاحشه» ای که زمین را با زنايش به
فساد کشیده است و سرانجامش هلاکت است به ضیافت
عروسی آن بره (مسیح) دعوت می‌شود (کنایه از نایل آمدن
به زندگی ابدی و ورود به ملکوت آسمانی است).
در فصل ۱۷ کتاب مکاشفه، آن زن فاحشه بر روی وحش
که هفت سر و ده شاخ دارد نشسته و در حال تاختن است.
هدف از هم آغوشی نامبارک «حکومت و دین» کسب
قدرت، ثروت و سلطه بر همه انسان هاست. در این رویا،
زن فاحشه جامه سرخ و ارغوانی بر تن دارد و در برقی
طلا و جواهر و مروارید می‌درخشد! که نشان دهنده
موقعیت ممتاز و ثروت اوست. آن زن فاحشه جامی زرین
از شرابی مست کننده (ایدئولوژی ها و تعالیم نادرست و

مملو از ناراستی) دارد که همه قوم ها و ملل دنیا را با آن
گمراه ساخته است!

اما در اینجا چرا ائتلاف ادیان به یک «فاحشه» تشبیه شده
است؟ در عهد عتیق پیروی از تعالیم نادرست و پرستش
خدای غیر واقعی که ساخته و پرداخته ذهن انسان های
سقوط کرده است به زنای روحانی تشبیه شده است؛ مثال
های متعددی در عهد عتیق وجود دارد که خداوند قوم یهود
را به دلیل بی وفایی نسبت به خود، قومی زناکار خطاب
می کند؛ زیرا بارها در طول تاریخ با تقلید از قوم های
سرزمین های مجاور شرارت ورزیدند و راه و رسم گناه
آلود آنها را در زندگی خود پیشه کردند؛ مخصوصا خدایان
و بت های آن قوم ها را مورد پرستش قرار دادند.

«خداوند می فرماید:

تو (قوم یهود) با معشوقان بسیار زنا کرده ای، آیا می توانی
نزد من بازگردی؟ ۲ چشمان خود را به بلندیها برافراز و
ببین!

آیا جایی هست که در آن با تو همبستر نشده باشند؟
تو همچون راهزن در بیابان، کنار راهها به انتظار
معشوقانت نشستی، و این سرزمین را با زنای
شرارت آمیز خود ملوث ساختی.

۳ از همین روست که بارشها بازداشته شده،
و باران بهاری نباریده است؛

اما تو را جبین زن فاحشه است،
و از شرم و حیا ابا داری.» ارمیا نبی ۳: ۱-۳

زمانی که انسان ها از خدای واقعی رویگردان می شوند و
خدایان دیگر را می پرستند مرتکب زنای روحانی می
شوند!

در این تصویر مشمنز کننده، زن فاحشه به وحش (رهبر
ضد مسیح) ملحق شده است. همانطور که قبلا اشاره کردیم
بسیاری از پیروان ادیان هنگام ظهور رهبر ضد مسیح و
مسیح کاذب به صف آنها خواهند پیوست و از آنان پیروی
خواهند کرد.

هر ایدئولوژی و معرفتی که از حقیقت مطلق الهی سرچشمه
نگیرد بلکه اختراع ذهن سقوط کرده باشد انسان ها را از
خدای واقعی دور می سازد و پیامد آن خیانت به خداوند و
زنای روحانی است. توجه کنید حتی ممکن است در این
ایدئولوژی ها حقایقی نیز وجود داشته باشند به عبارتی
مخلوطی از حقیقت و دروغ باشند ولی نتیجه هیچ فرقی
نمی کند و به گمراهی و مرگ ابدی انسان ها می انجامد.

رهبر ضد مسیح به کمک مسیح یا نبی کاذب که رهبری ائتلاف ادیان را به عهده خواهد داشت؛ از این ائتلاف برای تثبیت قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش کمال بهره را خواهد برد.

مردم سراسر دنیا از هر نژاد و زبان و دین به دلیل زیرکی و کاریزمای فوق العاده رهبر ضد مسیح که جهان هرگز نظیرش را به خود ندیده است از او حمایت و پیروی خواهند کرد. پس از سه و نیم سال آن دو رهبر شیطانی که دیگر نیازی به ائتلاف ادیان برای تثبیت قدرت خود ندارند؛ آن ائتلاف و رهبرانشان را نابود خواهند ساخت و پرونده ادیان دنیا در این مقطع از تاریخ برای همیشه بسته خواهد شد! این رویداد در بخش نخست پیشگویی دانیال نبی ۹: ۲۷ به این صورت منعکس شده است:

« ۲۷ او برای یک هفته عهده‌ی را با بسیاری استوار خواهد کرد، و در نیمه‌ی آن هفته، قربانی و هدیه را متوقف خواهد ساخت.» دانیال ۹: ۲۷

در این پیشگویی آمده است که پس از سه و نیم سال ، قربانی و هدیه که اشاره ضمنی به مراسم پرستش یهودیان

در معبد خدا است متوقف خواهد شد. چونکه این پیشگویی
دانیال مختص قوم یهود می باشد فقط به پرستش یهودیان
اشاره شده است ولی در کتاب مکاشفه عهد جدید فصل ۱۷
در روایاتی که یوحنا رسول می بیند زن فاحشه که نمادی از
ائتلاف ادیان است توسط وحش (رهبر ضد مسیح) و تمام
متحدان وی در سراسر دنیا (ده شاخ) به طور کامل نابود
می شود:

«آن آبها که دیدی، که فاحشه بر آنها قرار دارد، همانا ملتها
و جماعتها و قومها و زبانها هستند. ۱۶ آن وحش و آن ده
شاخ که دیدی، از فاحشه بیزار خواهند شد. او را نابود
خواهند کرد و عریان رها خواهند نمود. گوشت او را خواهند
خورد و او را در آتش خواهند سوزاند.»
کتاب مکاشفه ۱۷: ۱۵ و ۱۶

بدین ترتیب ادیان سازمان یافته کنونی از صحنه جهانی
برای همیشه ناپدید می گردند!

توجه شما را به نام آن زن فاحشه در کتاب مکاشفه ۱۷: ۵
جلب می کنیم:

« ۵ و این نام مرموز بر پیشانی او نوشته شده بود: «بابل بزرگ، مادر فواحش و زشتیهای زمین.» مکاشفه ۱۷: ۵

اما قبل از اینکه اندکی به نام آن زن فاحشه در رویای یوحنا رسول پردازیم بد نیست که به طلوع دین در افق تاریخ بشری نیز اشاره ای داشته باشیم!
برای این منظور اجازه دهید که مجدداً به باغ عدن و رویداد های حول و حوش سقوط آدم و حوا برگردیم:

« ۳ پس از چندی، قائن هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد. ۴ ولی هابیل از نخست‌زادگان گله خویش و از بهترین قسمتهای آنها هدیه‌ای آورد. خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت، ۵ ولی قائن و هدیه‌اش را منظور نداشت. پس قائن بسیار خشمگین شد و دلریش گشت. ۶ آنگاه خداوند به قائن گفت: «از چه سبب خشمگینی و چرا دلریش گشته‌ای؟ ۷ اگر آنچه را که نیکوست انجام دهی، آیا پذیرفته نمی‌شوی؟ ...» پیدایش ۴: ۳-۷

شاید در نگاه اول این رویداد بسیار ساده و ابتدایی جلوه کند ولی حقیقتی بسیار عمیق در پس این رویداد نهفته است. در این رویداد شما با دو دین، دو نوع پرستش و دو راه برای رسیدن به خدا مواجه هستید!

اولین دین، دین هابیل است که از درون باغ عدن (فردوس) نشأت می گرفت و آن قربانی بره بی عیب و بی آلایشی است که نمادی از کفاره مسیح و نجات دهنده ای است که می بایست از نسل زن در آینده ای دور ظهور کند. اگر بیاد داشته باشید در بحث نجات انسان تاکید کردیم که در باغ عدن خداوند با پوست حیوانی که قربانی شده بود برای آدم و حوا لباسی آماده کرد تا عریانی و شرم آنها را که نتیجه گناه بود بپوشاند. (معنی واژه کفاره «پوشاندن» است)

هابیل که ایماندار واقعی خداوند بود نیکو می دانست که هیچ راه دیگری برای ارتباط با خدای واقعی و پرستش وی بجز راه قربانی وجود ندارد!

هر چند احتمالاً درک هابیل از عمق این عمل نمادین بسیار ابتدایی بود ولی همچنان وی می دانست که این تنها راه ممکن برای پرستش و ارتباط با خدای واقعی است و راه دیگری وجود ندارد. این راهی بود که خود خدا آن را ایجاد کرده بود و آدم و حوا آن را به فرزندان خود منتقل کرده بودند.

اما در مقابل دین هابیل، دین دیگری برای اولین بار در تاریخ بشری به منصفه ظهور می رسد و آن دین قائن است!

بر خلاف دین هابیل که منشا و بانی آن خود خداوند بود و هابیل مطلقاً نقشی در آن نداشت؛ قائل خودش دین جدیدی را ابداع می کند! احتمالاً وی در خود می اندیشید که چرا باید دقیقاً کاری را انجام دهد که خدا تجویز کرده بود؛ مگر هدف صرفاً دادن هدیه به خدا نبود؛ پس وی بجای قربانی، از محصولی که حاصل دسترنجش بود به خدا تقدیم می کند. وی نمی دانست که خدا احتیاجی به هدیه ندارد بلکه «قربانی بره» نمادی از «کفاره مسیح» و «بخشش گناهان» و متعاقباً «صلح با خدا» است. توجه کنید قائل دین جدید خود را بر مبنای دسترنج و زحمت انسانی بنا می کند و بسیار مغرور و مفتخر است که از این دسترنج به خدا هدیه ای تقدیم کرده است! این دین قائل، نمونه ای از تمام ادیان تاریخ است که بر مبنای «عمل و کار انسان» استوار هستند! بر خلاف دین قائل دین هابیل کاملاً بر کار و عمل خدا استوار است و افتخار و غرور انسان در آن جایی ندارد. در واقع انسان هیچ کاری نمیتواند انجام دهد که مقبول خدا شود!

طبعاً دین قائل از سوی خدا مردود اعلام می شود زیرا هر دینی که اختراع ذهن انسان باشد مردود و باطل است و قادر نیست انسان را به خدا نزدیک سازد. جالب است که دین

قائن نیز هدیه ای را به خدا تقدیم می کند؛ ظاهراً هدفش پرستش خدا است و شاید حتی معنوی و روحانی نیز جلوه کند ولی توخالی و مردود است و همچون راه فراخی که مسیح در انجیل متی فصل هفتم به آن اشاره می کند انسان ها را به سوی هلاکت هدایت می کند.

توجه با این نکته بسیار حائز اهمیت است که قربانی بره، مرکزیت یا اول و آخر دین هابیل بود!

حتی مذاهبی که تحت نام مسیحیت در طول تاریخ توسعه یافته اند که «مسیح + ...» جهان بینی آنان را تشکیل می دهد؛ انسان ها را به هلاکت سوق می دهند: (مسیح + حکومت)، (مسیح + مریم مقدس)، (مسیح + ملیت)، (مسیح + روانشناسی)، (مسیح + موفقیت و ثروت و سلامت جسمانی)، (مسیح + عقاید لیبرال) و هزاران سه نقطه دیگر! (شما خود جای ... را پر کنید)

لحظه ای که انسان سقوط کرده با جهان بینی (مسیح + ...) مواجه شود آن سه نقطه ... هدف می شود و مسیح وسیله ای برای رسیدن به آن هدف! نتیجه چنین جهان بینی هلاکت و مرگ است. پولس رسول در رساله اول خود به کلیسای قرنتیان می نویسد:

« ۲۳ ولی ما مسیح مصلوب را و عظ می‌کنیم که یهودیان را سنگ لغزش است و غیریهودیان را جهالت، ۲۴ اما فراخواندگان را، چه یهودی و چه یونانی، مسیح قدرت خدا و حکمت خداست.» اول قرن‌تین ۱: ۲۳ و ۲۴

« ۱ من نیز ای برادران، هنگامی که نزد شما آمدم، با فصاحت و حکمت بشری نیامدم، آنگاه که راز خدا را به شما اعلام می‌کردم. ۲ زیرا عزم جزم کرده بودم در میان شما چیزی ندانم جز عیسی مسیح، آن هم عیسای مصلوب.» اول قرن‌تین ۲: ۱ و ۲

پیشتر اشاره کردیم که رهبر ضد مسیح و حامیان وی ائتلاف ادیان دنیا و رهبران‌ش را در میانه دوره هفت ساله به طور کامل نابود خواهند کرد و در آن مقطع زمانی ادیان سازمان یافته دنیا برای همیشه از صحنه تاریخ محو خواهند شد. اما اجازه دهید نگاهی اجمالی به نام آن زن فاحشه در رویای یوحنا رسول در کتاب مکاشفه بیفکنیم:

۵ و این نام مرموز بر پیشانی او نوشته شده بود: «بابل
بزرگ، مادر فواحش و زشتیهای زمین.»
کتاب مکاشفه ۱۷ : ۵

بابل بزرگ اشاره به شهر پرشکوه بابل (Babylon) در
نزدیکی رودخانه دجله و فرات واقع در جنوب عراق کنونی
است که معنی آن «دروازه خدایان» می باشد!
اما بابل پیشینه ای بسیار قدیمی دارد که به هزاران سال
قبل از امپراتوری بابل جدید باز می گردد. در واقع بابل یکی
از مراکز مهم تمدن بشری در بین النهرین بود که حدود
چهار هزار سال قدمت دارد. حمورابی پادشاه معروف بابل
حدود ۱۸۰۰ پیش از میلاد در این منطقه حکمرانی می کرد.

اما در عهد عتیق کتاب مقدس، حتی قرن ها قبل از تمدن
بین النهرین با نام «بابل» روبرو می شویم . بعد از طوفان
عظیم نوح، خداوند نوح و پسرانش را برکت می دهد تا کثیر
شوند و زمین را پر سازند:

« آنگاه خدا نوح و پسرانش را برکت داد و به ایشان
فرمود: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید. ۲ ترس
و هیبت شما بر همه جانوران زمین و بر همه پرندگان

آسمان و بر هر آنچه بر زمین می‌خزد و بر همه ماهیان دریا خواهد بود؛ آنها به دستان شما سپرده شده‌اند. ۳ هر جنبنده‌ای که حیات دارد، خوراک شما خواهد بود. همان‌گونه که گیاهان سبز را به شما دادم، اکنون همه چیز را به شما می‌بخشم. « پیدایش ۹: ۱-۳

اما برخلاف اراده خدا، انسان‌ها بجای پراکنده شدن در سراسر زمین در منطقه‌ای به نام شِنعار (به عبری یعنی منطقه‌ای بین دو نهر: بین النهرین) سکنی گزیدند:

۱ و اما، تمامی زمین را یک زبان و یک گفتار بود. ۲ و چون مردم از مشرق کوچ می‌کردند، در سرزمین شِنعار دشتی هموار یافتند و در آنجا ساکن شدند. ۳ آنان به یکدیگر گفتند: «بیایید خشتها بزنیم و آنها را خوب بپزیم.» ایشان را خشت به جای سنگ و قیر به جای ملات بود. ۴ آنگاه گفتند: «بیایید شهری برای خود بسازیم و برجی که سر بر آسمان ساید، و نامی برای خود پیدا کنیم، مبادا بر روی تمامی زمین پراکنده شویم.» ...

۶ و خداوند گفت: «اینک آنان قومی یگانه‌اند و ایشان را جملگی یک زبان است و این تازه آغاز کار آنهاست؛ و دیگر هیچ کاری که قصد آن بکنند، از ایشان بازداشته نخواهد

شد. ۷ اکنون فرود آیم و زبان ایشان را مغشوش سازیم تا سخن یکدیگر را درنیابند.» ۸ پس خداوند آنان را از آنجا بر روی تمامی زمین پراکنده ساخت و از ساختن شهر بازایستادند. ۹ از این رو آنجا را بابل نامیدند، زیرا در آنجا خداوند زبان همهٔ جهانیان را مغشوش ساخت. از آنجا، خداوند ایشان را بر روی تمامی زمین پراکنده کرد.
پیدایش ۱۱ : ۱-۹

کلمه «بابل» یا «Babel» در عبری با کلمه «آشفستگی» یا «اغتشاش» شباهت دارد. بدین ترتیب نام بابل و بعد ها شهر بابل در تاریخ بشری ثبت گردید. برج بابل نمادی از غرور و افتخار انسان ها و احتمالا جایگزین «خدا» در ذهن و ضمیر انسان ها بود! این واقعه دقیقاً انعکاسی از پیشرفت علم و تکنولوژی انسان های متمدن امروزی است زیرا علم و تکنولوژی دقیقاً جایگزین «خدا» در زندگی انسان ها شده است. اگر انسان از جایگاه عالی خویش سقوط نمی کرد؛ با دانستن بیشتر اسرار جهان هستی، محبت انسان ها نسبت به خدا افزونتر می شد و خدا را برای آفرینش بی نظیرش هر چه بیشتر پرستش و ستایش می کردند؛ در حالی که برای انسان های سقوط کرده پیشرفت علم نتیجه ای معکوس به بار آورده است!

واقعه برج بابل و آشفتگی زبان ها به نحوی با آغاز تمام فرهنگ ها و تمدن ها گره خورده است. در واقع می توان گفت که ریشه تمام ایدئولوژی ها و باور های مختلف دنیا که همگی اختراع ذهن انسان های سقوط کرده می باشند؛ به نحوی به بابل و منطقه بین النهرین بر می گردند. به همین دلیل در کتاب مکاشفه بابل مادر فواحش و زشتی های زمین خوانده می شود!

خداوند در کتاب ارمیا نبی خطاب به قوم اسرائیل می گوید:

« ۱۳... مرا که چشمه آب حیاتم، ترک گفته اند
و برای خویشتن آب انبارها کنده اند،
آب انبارهای ترک خورده که آب را نگاه نتوانند داشت. »
ارمیا نبی ۲ : ۱۳

هر چند ایدئولوژی ها و باور های ساخته و پرداخته ذهن سقوط کرده، اندکی از عطش روحانی انسان ها می کاهد ولی هرگز آن را سیراب نمی سازد!

قسمت پنجم: دوره مصیبت عظیم (سه و نیم سال دوم هفته دانیال)

اندکی به تفسیر نام اسرارآمیز ائتلاف جهانی ادیان در دوران حکومت رهبر ضد مسیح پرداختیم و اشاره کردیم که این ائتلاف و رهبران آن در نهایت به دست رهبر ضد مسیح و نبی کاذب نابود می شوند و برای همیشه از صحنه تاریخ محو خواهند شد. در این دوران فقط ایدئولوژی رهبر ضد مسیح و نبی کاذب که هر دو در باطن خادم شیطان هستند؛ مورد پذیرش اکثر مردم دنیا خواهد بود. این ایدئولوژی به شدت ضد خدا و ضد ارزش های الهی خواهد بود. طبعاً زیر بنای این ایدئولوژی عقاید شیطانی، معیار های ضد اخلاقی و پرستش شیطان خواهد بود. در این دوره کوتاه اتحاد نامقدس شیطان، رهبر ضد مسیح و نبی کاذب تثبیت خواهد شد.

مطابق پیشگویی های کتاب مقدس در این دوران عده محدودی از یهودیان و سایر قوم ها به مسیح ایمان خواهند

آورد ولی اکثر آنان توسط رهبر ضد مسیح به شهادت خواهند رسید.

بعد از سپری شدن سه و نیم سال اول دوره هفت ساله، دوره «مصیبت بزرگ» یا «**Great tribulation**» آغاز خواهد شد و داوری و غضب عظیم خدا بر کل زمین ریخته خواهد شد. در اینجا برای یادآوری مجدد به پیشگویی دانیال نبی ۹: ۲۷ توجه کنید:

« ۲۷ او برای یک هفته عهده را با بسیاری استوار خواهد کرد، و در نیمه آن هفته، قربانی و هدیه را متوقف خواهد ساخت. و بر بال رجاسات ویرانکننده‌ای خواهد آمد، تا پایانی که مقرر است بر ویرانکننده ریخته شود.»

بخش نهایی آیه فوق «تا پایانی که مقرر است بر ویرانکننده ریخته شود» اشاره به دوره مصیبت بزرگ و غضب الهی است. (برای درک بهتر این پیشگویی توصیه می‌کنیم قسمت‌های قبلی را مجدداً مرور کنید.)

مسیح در این رابطه خطاب به شاگردانش در انجیل متی می‌گوید:

« ۲۱ زیرا در آن زمان چنان مصیبت عظیمی روی خواهد داد که مانندش از آغاز جهان تا کنون روی نداده، و هرگز نیز روی نخواهد داد. ۲۲ اگر آن روزها کوتاه نمی‌شد، هیچ بشری جان سالم به در نمی‌برد. اما به‌خاطر برگزیدگان کوتاه خواهد شد.» انجیل متی ۲۴: ۲۱ و ۲۲

برگزیدگان کسانی هستند که در طول حکومت آن رهبر شیطانی به مسیح ایمان خواهند آورد؛ هر چند بسیاری از آنان به شهادت خواهند رسید ولی عده اندکی نیز تا پایان این دوران جان سالم به در خواهند برد. شاید این سوال در ذهن تداعی شود که چرا دوره مصیبت بزرگ حتی از طوفان نوح نیز سهمگین تر است؟ پاسخ این است که طوفان نوح فقط به مدت چهل شبانه روز تداوم یافت و بعد از بالا آمدن آب طوفان طبعا انسان ها در عرض چند دقیقه یا حتی کمتر در آب غرق شدند؛ در حالی که دوره مصیبت بزرگ سه و نیم سال به طول خواهد انجامید و مانند یک کابوس وحشتناک و طولانی خواهد بود که مردم دنیا نظیر آن را در سراسر تاریخ بشری هرگز تجربه نکرده اند. رویدادهای این دوره مانند درد های یک زن در حال زایمان خواهد بود که هر چه به وقت زاییدن نزدیک می شود به شدت درد نیز افزوده می شود. در دوره مصیبت بزرگ نیز هر چه به پایان

سه و نیم سال نزدیکتر می شویم شدت غضب الهی نیز افزایش می یابد تا اینکه در پایان و با ظهور مسیح و برقراری پادشاهی هزار ساله وی بر زمین این دوره خاتمه خواهد یافت.

بعد از طوفان نوح و تا به امروز انسان ها در هر ثانیه از تمام برکات الهی بهره برده اند؛ در الهیات مسیحی رحمت و محبت خدا که شامل حال همه انسان هاست «فیض عام خدا» نامیده می شود: خانواده و روابط گرم انسانی، برکات طبیعی مانند هوا، آب، باد، ابر و باران، مواد غذایی متنوع و لذیذ مانند میوه ها، سبزیجات، فرآورده های دامی و ... طبیعت زیبا و دل انگیز، حیوانات و موجودات گوناگون، آسمان آبی، خورشید، ماه، ستارگان و کهکشان های عظیم و شگفت انگیز... موسیقی که باعث نشاط و آرامی روح و روان انسان هاست و ...

با وجود همه این برکات الهی عده بسیار اندکی از انسان ها به خدای واقعی ایمان دارند یا او را می شناسند و به او محبت می ورزند. مطابق پیشگویی های کتاب مکاشفه (که در اینجا وارد جزئیات آنها نمی شویم) خداوند در دوره مصیبت بزرگ این برکات را از انسان ها یکی پس از

دیگری پس خواهد گرفت. حتی تصور اینکه روزی فرا برسد که به دلیل مصیبت و مرگ در سراسر کره خاکی صدای موسیقی دیگر به گوش نرسد؛ سبب دلهره و ترس می شود. حال تصور کنید که در اتمسفر زمین و یا حتی در منظومه شمسی پدیده های ترسناکی که هرگز شاهد آنها نبوده ایم ظهور کنند مثلا ناگهان تغییراتی عجیب در وضعیت خورشید از نظر میزان نور و حرارت بوجود آید یا شهاب سنگ های بزرگ با زمین برخورد کنند یا اینکه زلزله هایی بسیار شدید و در مقیاس وسیع باعث تخریب شهرهای بزرگ گردند؛ همه این موارد کم و بیش در دوره مصیبت عظیم اتفاق خواهند افتاد و مرگ و نابودی را برای همه انسان ها به ارمغان خواهند آورد.

علاوه بر بلاهای طبیعی، بلاهای غیر طبیعی مانند هجوم فرشتگان شریر بر زمین و تاثیر بسیار مخرب آنها بر روح و روان انسان ها را نیز به حوادث دوره مصیبت بزرگ اضافه کنید. در حال حاضر خداوند اجازه فعالیت بسیار محدودی به فرشتگان شریر به رهبری شیطان داده است ولی در دوره مصیبت بزرگ فرشتگان شریر به رهبری شیطان آزادی عمل بیشتری خواهند داشت تا زندگی انسان ها را از هر نظر تحت تاثیر قرار دهند. بنابراین خشم و

غضب خدا در دوره مصیبت بزرگ بر زمین ریخته خواهد شد و بجز عده اندکی تقریباً همه ساکنان کره خاکی (میلیارد ها انسان) در انتهای این دوره نابود خواهند شد و پرونده تاریخ چند هزار ساله کنونی برای همیشه بسته خواهد شد. به راستی افتادن به دست های خدای زنده چیزی هولناک است!

در انتها یادآوری این نکته بسیار ضروری است که رحمت و صبر خدا نسبت به همه انسان های گناهکار در سراسر تاریخ بشری به خاطر این نیست که انسان های سقوط کرده موجودات دوست داشتنی هستند! بلکه به خاطر این اصل اساسی است که خدا محبت است به عبارتی دیگر فیض عام خدا نسبت به انسان ها فقط و فقط به این دلیل است که ذات خداوند محبت است! در حالی که خشم و غضب الهی نسبت به انسان ها فقط و فقط به دلیل این اصل اساسی است که همه انسان ها گناهکار هستند و همه ارزش های اخلاقی الهی را زیر پا نهاده اند و به حق شایسته مجازات مرگ هستند؛ قدوسیت و عدالت بی نهایت خدا ایجاب می کند که هر بی عدالتی و گناهی بدون پاسخ نماند!

اگر خداوند بر گناه و گناهکاران غضبناک نمی شد آنگاه عدالت و قدوسیت چنین خدایی زیر سوال می رفت.

در پایان فقط دو گزینه برای انسان های گناهکار وجود دارد
اولین گزینه این است که خود تاوان گناهانشان را بر دوش
گیرند و تا ابد از حضور خدای قدوس که سرچشمه حیات
است رانده شوند و یا اینکه با پذیرش و ایمان به کفاره
مسیح، خشم و غضب الهی بر مسیح ریخته شود و خود از
مجازات مرگ ابدی رهایی یابند. گزینه سومی وجود ندارد!

قسمت ششم: وضعیت ایمانداران واقعی قبل از شروع دوره
هفت سال آخر زمان

در قسمت قبل در مورد وقایع مصیبت بزرگ که سه و نیم
سال بطول می انجامد توضیح دادیم.
سوالی که مطرح می شود این است که در بدو حکومت آن
رهبر ضد مسیح یا شروع دوره هفت سال نهایی (هفته آخر
پیشگویی دانیال نبی) سرنوشت ایمانداران واقعی به مسیح
در سراسر جهان چگونه رقم می خورد؟ این سوال بسیار
اساسی و مهم است. هر چند به دلیل پیچیدگی موضوع و
اطلاعات محدود در کتاب مقدس دادن پاسخی دقیق به این
سوال امکان پذیر نیست ولی با توجه به پیشگویی های
کتاب مقدس می توان به پاسخی نسبتاً دقیق دست یافت.
در اینجا بحث ما در مورد کسانی است که قبل از ظهور
رهبر ضد مسیح، ایماندار واقعی به مسیح هستند (کلیسای
واقعی مسیح). همانطور که قبلاً نیز اشاره کردیم بسیاری
از کسانی که در طول دوران هفت ساله به مسیح ایمان می

آورند به شهادت خواهند رسید و عده اندکی نیز تا پایان این دوره زنده خواهند ماند.

بررسی وقایع طوفان نوح به ما کمک می کند که درک بهتری از سوال مطرح شده داشته باشیم.

همانطور که اشاره کردیم کشتی نوح نمادی از کفاره مسیح و نجات ابدی است که خدا برای ایمانداران فراهم ساخته است. در آن رویداد خدا نوح و خانواده اش را از طوفان عظیمی که کل ساکنان کره خاکی را نابود ساخت؛ نجات داد. بنابراین نوح و اعضای خانواده اش به واسطه کشتی بزرگی که خود خدا مستقیماً نقشه ساخت آن را به نوح داده بود؛ از غضب الهی رستگار شدند. به نظر می رسد که این دقیقاً سرنوشت ایمانداران واقعی به مسیح پیش از آغاز دوره هفت سال آخر تاریخ کنونی جهان باشد. بدین معنی که آنان از غضب عظیم الهی رستگار خواهند شد و خشم خدا بر بقیه ساکنان کره خاکی ریخته خواهد شد. پیشگویی های عهد جدید این موضوع را تایید می کند. برای مثال پولس خطاب به ایمانداران شهر تسالونیک می نویسد:

« ۱ و اما درباره وقتها و زمانها، ای برادران، نیازی نیست چیزی به شما بنویسم. ۲ زیرا خود نیک می دانید که روز

خداوند همچون دزدی که شب‌هنگام می‌آید، فرا خواهد رسید. ۳ آن زمان که مردم می‌گویند: «صلح و امنیت حکمفرماست»، ناگهان هلاکت بر ایشان نازل خواهد شد، بدان‌سان که زن آبستن به درد زایمان دچار شود، و از آن گریزی نخواهد بود.

۴ اما شما ای برادران، در تاریکی نیستید تا آن روز چون دزد غافلگیرتان کند. ۵ شما همه فرزندان نور و فرزندان روزید؛ ما به شب و به تاریکی تعلق نداریم. ۶ پس همانند دیگران به خواب نرویم، بلکه بیدار و هوشیار باشیم. ۷ زیرا آنان که می‌خوابند، شب‌هنگام می‌خوابند، و آنان که مست می‌کنند، شب‌هنگام مست می‌کنند. ۸ اما ما چون به روز تعلق داریم، باید هوشیار باشیم، و ایمان و محبت را همچون زرّ سینه‌پوش بر تن کنیم، و امید نجات را همچون کلاه‌خود بر سر نهیم. ۹ زیرا خدا ما را نه برای غضب، بلکه برای کسب نجات به واسطه خداوندمان عیسی مسیح تعیین کرده است، ۱۰ که به‌خاطر ما مرد، تا چه بیدار باشیم و چه خفته، با او زندگی کنیم. ۱۱ پس یکدیگر را تشویق و تقویت کنید، چنانکه اکنون نیز می‌کنید.» اول تسالونیکیان ۵: ۱-۱۱

در آیات فوق منظور پولس رسول از «روز خداوند» همان دوره مصیبت عظیم و داوری سخت خداوند است که ساکنان کره زمین آن را تجربه خواهند کرد (این برداشت بر اساس

آیات متعدد در عهد قدیم کتاب مقدس که به «روز خداوند» اشاره می کنند استنباط می شود). به نظر می رسد که در اینجا پولس تاکید می ورزد که ایمانداران به مسیح از آن غضب الهی رستگار خواهند شد.

در رساله دوم خود به ایمانداران تسالونیکی پولس مجددا در مورد این دوران این چنین می نویسد:

« ۱ ای برادران، درباره آمدن خداوند ما عیسی مسیح و گرد آمدن ما نزد او، استدعا داریم ۲ از پیام نبوتی یا گفته یا نامه ای که گویا از ما باشد، بدین مضمون که روز خداوند هم اکنون فرا رسیده است، زود متزلزل یا مشوش مشوید. ۳ مگذارید هیچ کس به هیچ طریقی شما را فریب دهد. زیرا تا نخست آن عصیان واقع نشود و آن مرد بی دین که فرزند هلاکت است به ظهور نرسد، آن روز فرا نخواهد رسید. ۴ او با هر آنچه خدا خوانده می شود و مورد پرستش قرار می گیرد، مخالفت می ورزد و خود را بالاتر قرار می دهد، تا آنجا که در معبد خدا جلوس می کند و خود را خدا معرفی می نماید.

۵ آیا به یاد ندارید هنگامی که با شما بودم اینها را به شما می گفتم؟ ۶ شما می دانید که اکنون چه چیزی مانع است و سبب می شود که او تنها در زمان مناسب خود ظهور کند.

۷ زیرا سِرّ بی‌دینی هم‌اکنون نیز عمل می‌کند، اما فقط تا وقتی که آن که تا به حال مانع است از میان برداشته شود. ۸ آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد، که خداوند عیسی با نَفَس دهان خود او را هلاک خواهد کرد و با درخشندگی ظهور خویش او را نابود خواهد ساخت. ۹ ظهور آن بی‌دین به نیروی شیطان و همراه با همه گونه معجزات و آیات و عجایب گمراه‌کننده خواهد بود، ۱۰ و نیز همراه با همه گونه شرارت که راهیان طریق هلاکت را فریفته می‌سازد. ایشان از آن رو هلاک می‌شوند که نخواستند حقیقت را دوست بدارند تا نجات یابند. ۱۱ پس خدا ایشان را به توهمی بزرگ دچار خواهد کرد، به گونه‌ای که دروغ را باور خواهند داشت، ۱۲ تا همه کسانی که حقیقت را باور نکرده و از شرارت خشنود گشته‌اند، محکوم شوند.»

دوم تسالونیکیان ۲: ۱-۱۲

در اینجا پولس رسول تاکید می‌کند که زمانی «روز خداوند» یا داوری عظیم الهی فرا می‌رسد که آن رهبر شیطانی ظهور کند و بی‌دینی به اوج خود برسد. توجه کنید که پیشگویی پولس با پیشگویی دانیال نبی و کتاب مکاشفه دقیقاً مطابقت می‌کند. نکته بسیار مهمی در این بخش از رساله پولس رسول وجود دارد که درک آن ما را در یافتن پاسخی مناسب برای سوال مطرح شده یاری می‌دهد.

منظور پولس رسول از آن «مانع» چیست؟ مجدداً آیات زیر را ملاحظه کنید:

« آیا به یاد ندارید هنگامی که با شما بودم اینها را به شما می‌گفتم؟ ۶ شما می‌دانید که اکنون چه چیزی مانع است و سبب می‌شود که او تنها در زمان مناسب خود ظهور کند. ۷ زیرا سرّ بی‌دینی هم‌اکنون نیز عمل می‌کند، اما فقط تا وقتی که آن که تا به حال مانع است از میان برداشته شود. ۸ آنگاه آن بی‌دین ظاهر خواهد شد...»

در اینکه ظهور آن رهبر شیطانی دقیقاً در لحظه ای اتفاق خواهد افتاد که مطابق اراده ازلی و ابدی خدای قادر مطلق باشد و برنامه ای که خدا پیش از بنیاد عالم برای تاریخ جهان تعیین کرده است هیچ شکی نیست. بی‌گمان مانع اولیه بر سر راه ظهور و تجلی قدرت شیطانی در لحظه ای که خارج از برنامه خدا باشد؛ قدرت و اراده مطلق خود خداست. اما بعید به نظر می‌رسد که منظور پولس در اینجا از «مانع»، این حقیقت اساسی و فراگیر باشد. زیرا پولس به ایمانداران تسالونیک‌یی یادآوری می‌کند که زمانی آن رهبر ظهور می‌کند و برنامه های شیطان برای مدتی کوتاه تحقق می‌یابد که آن مانع از میان برداشته شود! همچنین پولس اضافه می‌کند که در این مورد قبلاً با آنها گفتگو کرده است

که نشان می دهد این مانع پیش از آنکه در مورد یک حقیقت کلی و اساسی در مورد کل تاریخ و برنامه های ازلی و ابدی خدای قادر مطلق باشد احتمالاً بیشتر در رابطه با سرنوشت ایمانداران واقعی قبل از ظهور رهبر شیطانی است. در رساله اول تسالونیکیان پولس در فصل چهارم آیات ۱۵-۱۸ چنین می نویسد:

« ۱۵ این را به واسطه کلام خود خداوند به شما می گوئیم: کسانی از ما که هنوز زنده اند و تا آمدن خداوند باقی می مانند، به یقین از خفتگان پیشی خواهند گرفت. ۱۶ زیرا خداوند، خود با فرماتی بلندآواز و آوای رئیس فرشتگان و نفیر شیپور خدا، از آسمان فرود خواهد آمد. آنگاه نخست مردگان در مسیح، بر خواهند خاست. ۱۷ پس از آن، ما که هنوز زنده و باقی مانده ایم، با آنها در ابرها ر بوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم، و بدین گونه همیشه با خداوند خواهیم بود. ۱۸ پس بدین سخنان، یکدیگر را دلداری دهید. »

به نظر می رسد که مانعی که پولس به آن اشاره می کند « کلیسای واقعی مسیح » باشد. زمانی آن رهبر شیطانی ظهور خواهد کرد که کلیسای مسیح از کره خاکی برداشته شود و دوران کلیسای واقعی بر روی کره زمین به پایان برسد. این رویداد اصطلاحاً « ر بوده شدن ایمانداران واقعی به مسیح »

یا « Rapture » نامیده می شود. در این رویداد ابتدا مردگان در مسیح و سپس ایماندارانی که زنده هستند ناگهان متبدل خواهند شد بدین گونه که طبیعت تازه و روحانی آنان که حاصل تولد مجدد است، جسمی پرجلال و ابدی خواهد پوشید و به آسمان ربوده خواهند شد و در طول دوران هفت سال حکومت رهبر ضد مسیح و وقایع مصیبت عظیم در آسمان نزد خداوند بسر خواهند برد. به این رویداد «جسم پوشیدن» طبیعت تازه ایمانداران در الهیات مسیحی «جلال یافتن» یا «Glorification» گفته می شود و بخشی از نجات و فیض عظیم الهی برای ایمانداران به مسیح است. در این رویداد، ایمانداران از طبیعت کهنه (جسم و ذهن کهنه) که از نسل آدم و حوا به ارث برده اند کاملاً آزاد خواهند شد و به جسمی پر جلال و ابدی که هرگز نمی میرد و مریض نمی شود و هرگز گناه نمی کند ملبس خواهند شد. این جسم پر جلال دقیقاً مانند جسمی خواهد بود که مسیح بعد از قیامش از مردگان به آن ملبس بود. توجه کنید که هم اکنون همه ایمانداران واقعی به مسیح دارای طبیعت تازه هستند ولی این طبیعت تازه که آفرینش تازه خداست جنس روحانی دارد ولی در رویداد «جلال یافتن» این طبیعت روحانی، جسمی فوق العاده پر جلال و ابدی به تن خواهد کرد. پولس رسول در رساله به رومیان در این رابطه می گوید:

« ۱۸ در نظر من، رنجهای زمان حاضر در قیاس با جلالی که در ما آشکار خواهد شد، هیچ است. ۱۹ زیرا خلقت با اشتیاق تمام در انتظار ظهور پسران خداست. ۲۰ زیرا خلقت تسلیم بطالت شد، نه به خواست خود، بلکه به اراده او که آن را تسلیم کرد، با این امید که ۲۱ خود خلقت نیز از بندگی فساد رهایی خواهد یافت و در آزادی پر جلال فرزندان خدا سهم خواهد شد.» رومیان ۸: ۱۸-۲۱

پولس رسول در رساله اول قرن‌تین فصل ۱۵ آیات ۵۱ تا ۵۸ می‌نویسد:

۵۱ گوش فرا دهید! رازی را به شما می‌گویم: ما همه نخواهیم خوابید، بلکه همه دگرگونه خواهیم شد. ۵۲ در یک آن و در یک چشم به هم زدن، آنگاه که شیپور آخر نواخته شود، این به وقوع خواهد پیوست. زیرا شیپور به صدا در خواهد آمد و مردگان در فسادناپذیری بر خواهند خاست و ما دگرگونه خواهیم شد. ۵۳ زیرا این بدن فسادپذیر باید فسادناپذیری را بپوشد و این بدن فانی باید به بقا آراسته شود. ۵۴ چون این فسادپذیر، فسادناپذیری را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه آن کلام مکتوب به حقیقت خواهد پیوست که می‌گوید: «مرگ در پیروزی فرو بلعیده شده است.»

۵۵ «ای گور، پیروزی تو کجاست؟»

و ای مرگ، نیش تو کجا؟»

۵۶ نیش مرگ گناه است و نیروی گناه، شریعت. ۵۷ اما شکر خدا را که به واسطه خداوند ما عیسی مسیح به ما پیروزی می‌بخشد.

۵۸ پس، برادران عزیزم، ثابت و استوار بوده، همواره با تمام وجود به کار خداوند مشغول باشید، زیرا می‌دانید زحمت شما در خداوند بیهوده نیست. اول قرن‌تین ۱۵:
۵۸-۵۱

بنابراین زمانی که مانع «کلیسا» برداشته شود و دوره کلیسا به پایان برسد؛ رهبر شیطانی ظهور خواهد کرد و وقایع دوران هفت ساله مانند دردهای زن در حال زایمان که هر لحظه به شدت آن افزوده می‌شود تا بازگشت ثانویه مسیح و برقراری پادشاهی هزار ساله بر زمین به سرعت یکی پس از دیگری اتفاق خواهند افتاد.

قسمت هفتم: بازگشت ثانویه مسیح و پادشاهی هزار ساله

۱۳ «چون در رؤیاهای شب می‌نگریستم،

دیدم که به ناگاه کسی مانند پسر انسان
با ابرهای آسمان می‌آمد.

او نزد قدیم‌الایام رسید،

و او را به حضور وی آوردند.

۱۴ حکومت و جلال و پادشاهی به او داده شد،

تا تمامی قومها و ملتها و زبانها او را خدمت کنند.

حکومت او حکومتی است جاودانه و بی‌زوال،

و پادشاهی او زایل نخواهد شد. « کتاب دانیال نبی ۷: ۱۳

و ۱۴

در این پیشگویی، دانیال نبی پادشاهی پر جلال پسر انسان
(لقبی که مسیح بارها در عهد جدید خطاب به خودش بکار
میبرد.) را توصیف می‌کند که با نابودی آن وحش مخوف
(رهبر ضد مسیح) بر سراسر زمین برقرار می‌شود. این
پادشاهی تا هزار سال بر روی زمین کنونی و بعد از آن تا
به ابد در آفرینش جدید (زمین و آسمان جدیدی که خدا
مجددا خلق خواهد کرد) ادامه خواهد یافت.

همانطور که قبلا بارها اشاره کردیم خدا حاکم مطلق و پادشاه ازلی و ابدی است. اما در جهانی که ما در آن زندگی می کنیم به دلیل وجود شرّ و بدی و گناه این حقیقت چنان مستور است که از دیدگاه انسانی ظاهرا صحیح به نظر نمی رسد. بسیاری حتی به وجود خدا باور ندارند چه رسد به اینکه وی را پادشاه ازلی و ابدی بدانند؛ گویی اگر هم خدایی وجود داشته باشد بدون شک کنترل این جهان هستی از دستش خارج شده است!

اجازه دهید مجدداً به گوشه ای از نمایش تراژدی کمدی که روز جمعه سوم آوریل ۳۳ میلادی در اورشلیم در حال وقوع بود نظری بیفکنیم:

۲۷ سربازان پیلاتس، عیسی را به صحن کاخ والی بردند و همه گروه سربازان گرد او جمع شدند. ۲۸ آنان عیسی را عریان کرده، خرقه‌ای ارغوانی بر او پوشاندند و ۲۹ و تاجی از خار بافتند و بر سرش نهادند و چوبی به دست راست او دادند. آنگاه در برابرش زانو زده، استهزاکنان می گفتند: «درود بر پادشاه یهود!» ۳۰ و بر او آب دهان انداخته، چوب را از دستش می گرفتند و بر سرش می زدند. ۳۱ پس از آنکه او را استهزا کردند، خرقه از تنش به در آورده، جامه خودش را بر او پوشاندند. سپس وی را بیرون بردند تا بر صلیبش کشند... ۳۷ نیز، تقصیرنامه‌ای بدین عبارت

بر لوحی نوشتند و آن را بر بالای سر او نصب کردند:
«این است عیسی، پادشاه یهود.» انجیل متی ۲۷: ۳۷-۲۷

پیلاتس والی رومی وقت منطقه یهودیه که نگاهی بسیار تحقیر آمیز نسبت به قوم یهود داشت برای تمسخر آنان لوحی را بر صلیب مسیح نصب کرده بود که روی آن نوشته شده بود «این است عیسی، پادشاه یهود»؛ پیلاتس با زبان بی زبانی به یهودیان خاطرنشان می کند که در مقابل امپراتور مقتدر و با شکوه روم، پادشاه قوم یهود این شخص فلک زده، ضعیف و در حال مرگ است؛ کسی که به دست رومیان مصلوب شده است!

از دیدگاه انسانی این نمایش تراژدی کمدی گویی اثبات عدم حاکمیت مطلق خداست؛ اما گاهی واقعیت ها بی نهایت با آنچه که انسان ها قادر به دیدن یا درک و لمس کردن آنها هستند فاصله دارند. در حقیقت همه وقایع آن روز مطابق اراده مسیح ثانیه به ثانیه به پیش می رفت حتی وقتی که جسد بی جان او را در قبری (مقبره ای که در صخره ای تراشیده شده بود) قرار دادند و سنگ بزرگی را در مقابل آن غلتاندند. اگر مباحث قبلی را دنبال کرده اید حتما به خوبی واقف هستید که چگونه برنامه ها و نقشه های ازلی خدا در این واقعه تحقق یافتند.

خدا بر اساس حکمت نامتناهی اش اجازه داده است که شرارت در این جهان تا به نقطه اوج خود پیش برود؛

آنگاه با شکست نهایی شرارت، خدا حاکمیت ملموس خود را در قالب پادشاهی مسیح بر کره زمین برقرار خواهد ساخت.

زمان، بی صبرانه و شتابان به سوی این واقعه در حال پیشروی است و هیچ چیزی در این جهان هستی قادر نیست که حتی یک اپسیلون ثانیه در تحقق این امر تاخیر ایجاد کند!

توجه کنید که بعد از سقوط انسان (آدم و حوا)، حضور ملموس خدا از جهان مادی محو و رابطه خدا با انسان گسسته شده است ولی در پادشاهی مسیح این امر مجدداً برقرار خواهد شد. توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که در پادشاهی مسیح وضعیت کره زمین به شرایط اولیه باغ عدن و قبل از سقوط بر نخواهد گشت زیرا هنوز انسان هایی سقوط کرده که از نسل آدم و حوا هستند بر روی کره خاکی زندگی خواهند کرد؛ قبلاً اشاره کردیم که کسانی که در طول دوره هفت سال پایانی به مسیح ایمان بیاورند اکثراً به شهادت خواهند رسید ولی عده ای نیز از جفا های رهبر ضد مسیح جان سالم به در خواهند برد.

بدون وارد شدن به جزئیات با توجه به برخی آیات کتاب مقدس در عهد عتیق و جدید به نظر می رسد که در پادشاهی هزار ساله مسیح وضعیت کره زمین شبیه به دوران پیش از طوفان نوح خواهد بود. به عبارتی

اکوسیستم زمین به طراوت و زیبایی دوران قبل از طوفان نوح بر خواهد گشت. وضعیت احیا شده کره زمین در این دوران از نظر کیفیت خاک، آب، هوا، وضعیت اقلیمی و حذف یا کاهش شدید اشعه مضر ماورای بنفش و بیماری های مختلف باعث خواهد شد که مجدداً طول عمر انسان ها مانند دوران نوح به حدود هزار سال برسد. پادشاهی مسیح عدالت، صلح، سلامتی و فراوانی برکات را برای ساکنان زمین به ارمغان خواهد آورد. بدون شک شیوه زندگی و وضعیت اجتماعی انسان ها با آنچه که تاکنون در طول تاریخ تجربه شده است بسیار متفاوت خواهد بود. به دلیل عمر طولانی و زندگی سالم جمعیت کره زمین مجدداً در طول هزار سال افزایش چشمگیری خواهد یافت. یکی از ویژگی های منحصر به فرد این دوران عدم فعالیت شیطان و تاثیر مخرب وی بر انسان ها خواهد بود؛ در کتاب مکاشفه یوحنا رسول این مطلب به صورت استعاره این چنین توصیف شده است:

۱ آنگاه دیدم فرشته‌ای از آسمان فرود می‌آید، و کلید هاویه با اوست، و زنجیری بزرگ در دست دارد. ۲ او اژدها را، آن مار کهن را، که همانا ابلیس یا شیطان است، گرفت و در بند کشید تا هزار سال در اسارت بماند ۳ و او را به هاویه در انداخت و در بر او قفل کرد و مهر بر آن نهاد تا

قومها را دیگر نفریبد تا آن هزاره سر آید. و پس از آن
چندگاهی آزاد گردد. مکاشفه ۲۰ : ۱-۳

بدین ترتیب مسیح خداوند به مدت هزار سال بر کره زمین
پادشاهی خواهد کرد و ایمانداران واقعی (کلیسای واقعی
مسیح) از هر قوم و نژاد و زبان وارث زمین خواهند شد.

۵خوشا به حال حلیمان،
زیرا آنان زمین را به میراث
خواهند برد. انجیل متی ۵: ۵

قسمت هشتم: آسمان جدید و زمین جدید

« ۱ سپس آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم، زیرا آسمان
اول و زمین اول سپری شده بود و دیگر دریایی وجود
نداشت. »

کتاب مکاشفه ۲۱ : ۱

در قسمت قبل در مورد بازگشت ثانویه عیسی مسیح و
برقراری پادشاهی هزار ساله وی بر کره زمین مختصری
توضیح دادیم و بررسی پیشگویی بی نظیر دانیال را به
سرانجام رساندیم. همانطور که قبلا اشاره کردیم بخشی از
این پیشگویی در مورد وقایعی است که بین سال های ۴۴۴
پیش از میلاد تا ۳۳ میلادی تحقق یافته است و همچنین
شامل هفت سال آخر تاریخ کنونی دنیا (معروف به هفته
آخر دانیال) و وقایع هولناکی است که در طول این مدت
کوتاه در آینده به وقوع خواهند پیوست. (برای یادآوری می

توانید قسمت های قبلی مبحث «مقصد جهان و وقایع آخر زمان» را مرور کنید.)

قبلا اشاره کردیم که در پادشاهی هزار ساله مسیح روند زندگی انسان ها و اکوسیستم زمین به طور بنیادی نسبت به آنچه هم اکنون حاکم است متفاوت خواهد بود. بعد از سپری شدن هزاره، جهان کنونی به نقطه پایانی خود می رسد. یوحنا رسول در کتاب مکاشفه این واقعه را در قالب استعاره این چنین توصیف می کند:

« ۱۱ آنگاه تخت بزرگ و سفیدی دیدم، و کسی را که بر آن نشسته بود. آسمان و زمین از حضور او می‌گریختند و جایی برای آنها نبود. ۱۲ او مردگان را دیدم، چه خرد و چه بزرگ، که در برابر تخت ایستاده بودند. و دفترها گشوده شد. دفتری دیگر نیز گشوده شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب اعمالشان، مطابق با آنچه که در آن دفترها نوشته شده بود، داوری شدند. ۱۳ دریا مردگانی را که در خود داشت، پس داد؛ مرگ و جهان مردگان نیز مردگان خود را پس دادند، و هر کس بر حسب اعمالی که انجام داده بود، داوری شد. ۱۴ و مرگ و جهان مردگان به دریاچه آتش افکنده شد.

دریاچه آتش، مرگ دوم است. ۱۵ و هر که نامش در دفتر
حیات نوشته نشده بود، به دریاچه آتش افکنده شد.»
مکاشفه ۲۰: ۱۱-۱۴

انسان هایی که نامشان در دفتر حیات یافت نشود محکوم به
مرگ دوم یا همان مرگ ابدی هستند که بارها به آن اشاره
کردیم. کسانی که دو بار متولد شده اند (یکبار از نظر
فیزیکی و بار دوم از نظر روحانی) فقط یکبار مرگ را
تجربه خواهند کرد (مرگ فیزیکی)؛ ولی کسانی که فقط
یکبار متولد شده اند دو بار مرگ را تجربه خواهند کرد (هم
مرگ فیزیکی و هم مرگ ابدی).
قبل از داوری انسان ها، خداوند شیطان و فرشتگان شریر
را نیز به دریاچه آتش خواهد افکند.
افتادن به دست های خدای زنده و خشمگین چیزی هولناک
است!

زمین و آسمان کنونی جای خود را به آفرینش جدید خدا
خواهند داد. در زمین و آسمان جدید دیگر خبری از گناه،
شر و بدی و مرگ نخواهد بود. مجدداً همچون باغ عدن،

حضور ملموس خدا با انسان ها خواهد بود. ساکنان زمین جدید خوشبختی و حیات خدا را که همچون چشمه ای جوشان به هر سویی جاری خواهد بود تا به ابد تجربه خواهند کرد.

این پایان داستان نیست بلکه سرآغاز یک زندگی بی نهایت پر بار و مملو از ماجراجویی برای تک تک ساکنان زمین جدید خواهد بود. اگر خدا زمین و آسمان کنونی را که موقتی هستند این چنین زیبا و شگفت انگیز آفریده است؛ پس چقدر بیشتر زمین و آسمان جدید که تا ابد استوار باقی می مانند مملو از زیبایی، عظمت و شگفتی خواهند بود.

« ۹ آنچه را هیچ چشمی ندیده،

هیچ گوشی نشنیده،

و به هیچ اندیشه‌ای نرسیده،

خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است.» رساله اول

قرنتیان ۲ : ۹

« ۱ سپس آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم، زیرا آسمان اول و زمین اول سپری شده بود و دیگر دریایی وجود نداشت. ۲ و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از آسمان

از نزد خدا پایین می‌آمد، آماده شده همچون عروسی که
برای شوهر خود آراسته شده باشد. ۳ و از تخت، صدای
بلندی شنیدم که گفت:

«اینک، مسکن خدا با آدمیان است،
و او با آنها ساکن خواهد شد؛
و ایشان قوم او خواهند بود،
و خود خدا با ایشان خواهد بود
و خدای ایشان خواهد بود.
۴ او هر اشکی را از چشمان آنها
پاک خواهد کرد.
و دیگر مرگ نخواهد بود؛
و ماتم و شیون و درد
وجود نخواهد داشت،
زیرا چیزهای اول سپری شد.»

۵ سپس آن تخت‌نشین گفت: «اینک همه چیز را نو
می‌سازم.» و گفت: «اینها را بنویس زیرا این سخنان
درخور اعتماد است و راست است.»

کتاب مکاشفه ۲۱ : ۱-۵

بدین ترتیب به پنج سوال اساسی و بنیادی زندگی مطرح شده در مبحث «جهان بینی و سوالات اساسی زندگی» از دیدگاه جهان بینی مسیحی پاسخ دادیم.

دوست عزیز، شما با چه عینکی به جهان هستی می نگرید؟ طبعاً جهان بینی شما کیفیت زندگی امروز و سرنوشت فردای شما را تعیین خواهد کرد!

جهان را چگونه می بینید؟



